



ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

نشریه ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف  
زمستان ۱۴۰۱ / ۴۸ صفحه  
شماره ۷۶

■ انقلاب اسلامی ایران از الطاف امام

■ آرمان بزرگ انقلاب اسلامی

■ آن روزها، این روزها

■ انقلاب و زمینه سازی ظهور از دیدگاه امام راحل

■ زمینه سازی ظهور یک تکلیف شرعی است

■ برگزاری دومین اجلاس ملی مهدویت و انقلاب اسلامی





بنیاد فرهنگ مهدی موعود

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز،  
طبقه چهارم  
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۲۵۶۸۳  
۳۰۰۰۱۳۶۶ | سامانه پیامکی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری علیه السلام از سوی حجت الاسلام والمسلمین قرائتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.



## ویژه نامه مهدویت و انقلاب اسلامی نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۶

صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه

سر دبیر:

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نصوری

دبیر علمی:

حجت الاسلام والمسلمین تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی:

زهرا رجیبی شیزری

همکار این شماره:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه

استان سیستان و بلوچستان



## سخن سردبیر

حجت الاسلام محمدرضا نوری

«وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

مهدویت از جمله باورهای مشترک در میان مسلمانان است که ثمره‌ی رسالت‌ها، منبع همه‌ی کمالات، سرچشمه همه‌ی خیرات و جلوه گاه همه‌ی نیکی‌ها و زیبایی‌ها است و می‌توان آن را محور وحدت مسلمانان بر شمرد.

همین اعتقاد و باور بیشترین تأثیر را بر سیاست راهبردی انقلاب اسلامی، که عنصر اصلی آن حاکمیت نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه یعنی ولایت فقیه است؛ داشته است. در حقیقت تشکیل حکومت اسلامی و نگاه آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور، نمونه کوچکی از جامعه مهدوی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

مرحوم حضرت امام خمینی رحمته الله حاکمیت جمهوری اسلامی را مقدمه‌ای برای بیداری جهان اسلام از بردگی مدرن می‌داند و انتظار ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه را استمرار اقتدار اسلام تبیین می‌کند و می‌فرماید:

«انقلاب مردم ایران، نقطه‌ی شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»<sup>۱</sup>

در حقیقت مهمترین نقش انقلاب اسلامی در باور به آموزه مهدیت را باید در «تغییر نگرش به آموزه مهدویت و تبیین تمدنی آموزه انتظار» واکاوی کرد.

به هر روی فلسفه انتظار در اندیشه اسلامی و منتظر ماندن برای ظهور یک منجی که می‌تواند همه دردها را تسکین و به بی‌عدالتی‌ها خاتمه دهد، از عواملی محسوب می‌شود که اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی را به سمت و سوی مقاومت در برابر ظلم سوق داده و بروز و تأیید آن را در زندگی مسلمانان در قالب فرهنگ جهادی جلوه‌گر می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین رخداد اجتماعی قرن بیستم است. پدیده‌ای که با این گستردگی و عمق توانسته است تمامی مکاتب، اندیشه‌ها، سیاست‌ها، نهضت‌ها و احزاب سیاسی جهان را به چالشی نو فراخوانده و باعث بیداری ملت‌های جهان اسلام گردد و همین بیداری سبب شده است تا مسلمانان با اتحاد خود در برابر دشمنان اسلام، ید واحد شوند و جبهه‌ی مقاومت اسلامی را تشکیل دهند.

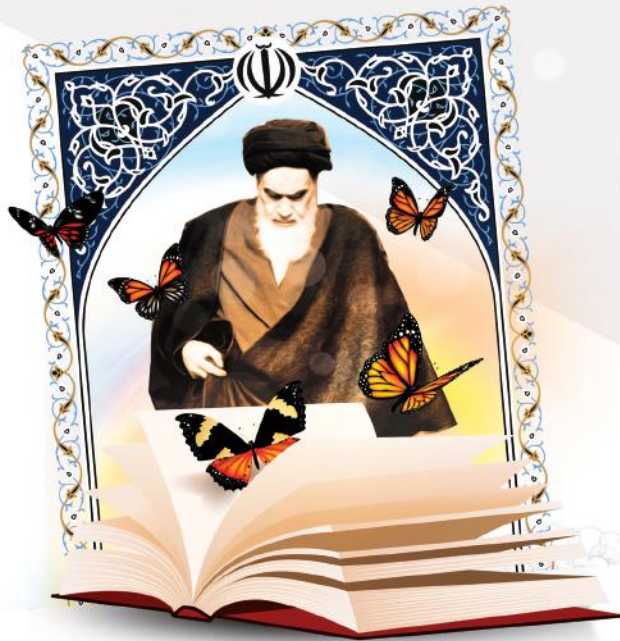
صدور انقلاب اسلامی به سراسر جهان با مواضع هوشیارانه امام خمینی رحمته الله و در ادامه با راهبری‌های حکیمانه مقام معظم رهبری علیه السلام به منظور رسیدن به آرمان بزرگ ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی عجل الله تعالی فرجه برکسی پوشیده نیست؛ لذا ضروری است با جهاد تبیین، روشنگری و گفتمان‌سازی، مسیر و برنامه درستی برای گسترش و نفوذ انقلاب اسلامی داشته باشیم و از این فرصت و ظرفیت بدست آمده به بهترین شکل برای تشکیل امت اسلامی و ایجاد تمدن نوین اسلامی استفاده نماییم.

۱. قصص: ۵.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۲.

# الصباح أقرب إلیس . صباح قریب ؟

Is not the  
morning nigh?



حجت الاسلام رحیم کارگر

# انقلاب اسلامی ایران وزمین‌سازی ظهور

از دیدگاه امام خمینی رحمة الله عليه

یکی از انگاره‌هایی که درباره انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف مطرح است، زمین‌سازی و مقدمه‌چینی سیاسی برای آن است. در این راستا امام خمینی رحمة الله عليه یک ایده و نظریه کاملی ارائه داده‌اند که در یک عبارت می‌توان آن را چنین بیان کرد: «با تمام امکانات پیش به سوی انقلاب مهدوی». بر اساس این رویکرد، منتظران و شیعیان واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف، نقش و مسئولیت مهم سیاسی، اجتماعی در ظهور و شکل‌گیری حکومت جهان گستر مهدوی دارند و به همین جهت باید با تمام توان و امکانات در بسترسازی و مقدمه‌چینی آن بکوشند.

## تشکیل دولت اسلامی با جمهوری‌های

### آزاد و مستقل

طرح تشکیل دولت اسلامی با حضور همه کشورهای مسلمان، امری مهم و تأثیرگذار است؛ چنان‌که امام خمینی قدس سره می‌فرماید:

شمای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان! به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سر سپرده آنان نترسید و حکام جنایتکار را که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند، از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمت‌گزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش بروید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشانید و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است»

(همان: ج ۲، ص ۴۴۸)

زمین‌سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است که مستلزم کار سیاسی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلبه‌ی مبارکی برای این امر باشد.

امام خمینی رحمه الله می‌فرمود:

«انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه. است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲۷). و «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیة الله ارواحنا له الفداء باشد» (همان: ج ۱۶، ص ۱۳۱). احادیث فراوانی، چون روایت امام علی علیه السلام (ثم تخرج رایة من خراسان یهزمون اصحاب السفیانی حتی ینزل بیت المقدس توطیء للمهدی سلطانه) (کورانی، ۱۳۷۹: ص ۲۳۲)، به روشنی وظیفه زمین‌سازان را برای شکل‌گیری حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بیان می‌کند و معنای صحیح انتظار را آشکار می‌سازد. امام خمینی رحمة الله عليه در این باره می‌گوید:

«ما همه انتظار فرج داریم... انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود» (همان: ص ۲۵۵)

## راه‌کارها و شرایط زمین‌سازی سیاسی برای شکل‌گیری حکومت جهانی عبارت است از:

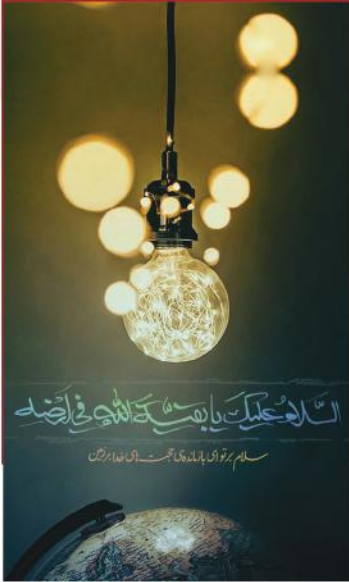
### ایجاد تحول جهانی

یکی از بسترهای مناسب برای رسیدن به جامعه موعود، ایجاد دگرگونی‌ها و تحولات فکری، اعتقادی و ایمانی در همه مردم جهان است. در این رابطه امام خمینی می‌فرماید:

امید است وعده الهی «اراده منت بر مستضعفان»، به زودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هرچه سریع‌تر از آستین ملت‌های مظلوم بیرون آید و تحول الهی‌ای که در ملت ایران به وجود آمده است، در همه ملل و نحل، به خواست خداوند تعالی تحقق یابد که دست ستعماران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود و مظلومان به حقوق از دست رفته خود دست یابند (امام خمینی، همان: ج ۱۷، ص ۳۱۸)

این تحول و دگرگونی جهانی، جرقه و بارقه‌ای الهی است که از انقلاب اسلامی ایران ناشی شده است:

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء، منتهی شود» (همان: ج ۱۵، ص ۶۲).



### جهاد و ایثارگری

رسیدن به جامعه آرمانی و موعود، نیاز به کوشش، جهاد و مبارزه فرهنگی، سیاسی، نظامی و... دارد و همه آن‌ها باید از سوی باورداران به منجی موعود و زمینه‌سازان انقلاب جهانی صورت گیرد:

«اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر، چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که ان شاء الله تعالی. مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند...»

(همان: ج ۲۱، ص ۴۴۷)

در این راستا امام خمینی علیه السلام امت مسلمان ایران را به جهت جهاد، ایثارگری و فداکاریشان، زمینه‌سازان ظهور معرفی می‌کند:

«سلام بر امت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند...» (همان: ص ۳۲۵)

بر اساس این مدل و الگو، تلاش جهت جمع بین دولت‌های اسلامی و دولت بزرگ اسلامی، زمینه‌ای برای رسیدن به حاکمیت مستضعفان و صالحان بر روی زمین است. دولت بزرگ اسلامی که نماینده اقتداری واحد است. در جهان اسلام تشکیل می‌شود و جمهوری‌های آزاد و مستقل، زیر پرچم اسلام و اقتداری واحد شکل می‌گیرند. این رویکرد منجر به تحقق وعده الهی مبنی بر وراثت صالحان و مستضعفان می‌شود.

### حفظ و تداوم انقلاب اسلامی ایران

یکی از ابعاد مهم زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی، محافظت از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و تلاش در جهت تداوم آن تا عصر ظهور است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید:

من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آنان... (همان: ج ۲، ص ۱۱۲)

من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی باشد. این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی. ان شاء الله. بیاید و ما، شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم (همان: ج ۱۵، ص ۲۳۰)

### خیزش و یکپارچگی مسلمانان و مستضعفان

وحدت، یکپارچگی و خیزش جوامع اسلامی و ملت‌های مستضعف می‌تواند، یکی از زمینه‌ها و مقدمات مناسبی برای شکل‌گیری انقلاب جهانی باشد.

استراتژی «وحدت امت اسلامی» و «نزدیکی جوامع ستمدیده و مستضعف» از ایده‌های بنیادین امام خمینی علیه السلام است که هم باعث تقویت و توانمند شدن آنان می‌گردد و هم زمینه ساز و مقدمه‌ای برای انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام.

### صدور انقلاب اسلامی

تبیین، ترویج و تبلیغ ارزش‌های برآمده از انقلاب اسلامی ایران و در واقع صدور آن به همه جای عالم تنها به منزله تثبیت و طرح ارزش‌های انقلابی نیست؛ بلکه ایجاد زمینه و بستری مناسب و جهانی برای شکل‌گیری انقلاب مهدوی است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌گوید:

«امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا المقدمه الفداء. منتهی شود» (همان: ج ۱۵، ص ۶۲)

### بالا بردن قدرت اسلام

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. از نظر امام خمینی علیه السلام:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (همان: ج ۸، ص ۳۲۴).

### قیام مستضعفان و بی بهرگان از قدرت

یکی از زمینه‌های مهم تشکیل حکومت جهانی مهدوی، قیام و خیزش عمومی مستضعفان، مظلومان و ستمدیدگان است که امام خمینی با فریادی رسا، آنان را به این امر دعوت می‌فرمود: «ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند» (همان: ج ۱، ص ۳۷۶)

### تشکیل حزب فراگیر مستضعفان

برای انسجام در صفوف نهضت‌های رهایی‌بخش جهانی و مقابله با استکبار و بیدادگری، باید حزب فراگیر مستضعفان و صالحان شکل بگیرد تا همه نیروها یک واحد ای شده و در برابر دشمنان قرار بگیرند. از نظر امام خمینی قدس سره:

«من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است، از میان بردارند و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند و ندای اسلام را و وعده اسلام را که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و وراثت ارض برای مستضعفین است. محقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند و با تفرقه کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیع تری، در تمام قشرهای انسان‌های تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین» که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین وارث ارض باید بشوند...» (همان: ج ۹، ص ۲۸۰ و ۲۸۱)

### نتیجه <<<

رسیدن به «جامعه موعود الهی» و شکل‌گیری انقلاب جهانی مهدوی، مبتنی بر یک سری عوامل، شرایط و زمینه‌ها است که باید آن‌ها را هم در جامعه جست و جو کرد، هم در درون افراد. برای این اساس هم نیاز به آگاهی‌بخشی و آماده‌سازی درونی افراد است و هم فراهم‌سازی مقدمات و امکانات و اسباب ظاهری و مادی و هم شکل‌گیری اراده‌ها و تلاش‌های بیرونی افراد:

تغییرات درونی < مقدمات و اسباب ظاهری < تلاش‌ها و اراده‌های بشری < انقلاب جهانی البته این نظام اثرگذار، تحت برنامه کلی و مشیت قاهر الهی و یک جامعه مطلوب نهایی قرار دارد. اراده الهی < رهبری تغییرات < آماده‌سازی انسانها < حرکت جمعی < انقلاب جهانی مهدوی اگر «زمینه‌ها و مقدمات» یاد شده را از منظر سیاسی، اجتماعی، مورد بازکاوی قرار دهیم، به پدیده بنیادین و فراگیری برمی‌خوریم که تحت عنوان «انقلاب» مطرح است؛ یعنی، یکی از شکل‌های مهم تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، «انقلاب» است و بر اساس «تئوری‌های مربوطه»، لازمه شکل‌گیری هر انقلابی، یک سری عوامل، مقدمات و زمینه‌ها است که عموماً به دست انقلابیون صورت می‌گیرد. انقلاب جهانی مهدوی نیز یک قیام و خیزش فراگیر و عمومی است که می‌تواند در برگیرنده بسیاری از افراد، گروه‌ها و نهادها باشد؛ یعنی همه این‌ها در شکل‌گیری و موفقیت انقلاب تلاش بکنند و همه امکانات، ابزار و اسباب را در خدمت آن قرار دهند. در واقع وقتی از شرایط و مقدمات انقلاب جهانی مهدوی صحبت می‌کنیم، از چندین مؤلفه بحث می‌کنیم (رهبری، برنامه جامع، گروه‌های انقلابی و مردم).

«انقلاب جهانی امام مهدی»، بر اساس یک سری عوامل و مقدماتی شکل می‌گیرد که بخشی از آن تحت مشیت و اراده قاهر الهی و براساس رویکردهای غیبی و امدادهای فوق بشری صورت بگیرد و بخشی از آن نیز مربوط به جامعه بشری و نقش مؤثر و فعال انسان‌ها. به خصوص گروه‌های حق طلب است. امید آنکه بتوانیم به وظایف و مسئولیت‌های خود در رابطه با زمینه‌سازی این انقلاب شکوهمند عامل باشیم.



السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ

سلام حقیقی که عالم را نو خواهد کرد

# آرمان بزرگ انقلاب اسلامی

## تبیین نقش مهم جوانان در راستای زمینه‌سازی ظهور

(بیانیه گام دوم)

مقام معظم رهبری علیه السلام در ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۹۷، به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز دهه پنجم انقلاب، بیانیه مهم و راهبردی را با عنوان «گام دوم انقلاب» صادر نمودند که در حقیقت نقشه‌ی راه تمدنی انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. در بخشی از این بیانیه، خطاب به جوانان کشور آمده: «دهه‌های آینده دهه‌های شماست و شما باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) است، نزدیک کنید.» ایشان در این بخش از بیانیه، افق و هدف انقلاب اسلامی را آمادگی و زمینه‌سازی ظهور ترسیم کردند. این مهم، زمینه‌ای شد برای تدبیر پیرامون ره‌آوردها و تأثیرات ترسیم این افق برای کشور و تبیین نقش مهم جوانان در راستای زمینه‌سازی ظهور.

### مطالبه رهبری از جوانان در گام دوم انقلاب

#### << تعمیق گفتمان انتظار و زمینه‌سازی ظهور

پیامدهای منفی بن‌مایه‌های فکری تمدن غرب (سکولاریسم) و عدم پاسخگویی آن به نیازهای اساسی انسان بهترین بستر برای طرح تمدن موعود و رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت است. از این رو مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب بر دو امر بسیار مهم تمدن‌سازی نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور تأکید و در این راستا تلاش جوانان را مطالبه کردند.

### الف) الزامات و بایسته‌ها

در ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه)

#### ۱. بازتولید پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزاری

برای تحقق احکام نورانی اسلام، تنها دستیابی به نظام معارف و حقایق اسلامی کفایت نمی‌کند، به عبارت دیگر، مهندسی تمدن دینی تنها به درک نظام معارف محدود نمی‌شود؛ بلکه برای اجرایی شدن آن در جامعه باید از دانش‌های گوناگون بهره‌گرفت. بنابراین توجه به تحقیقات بنیادین در حوزه‌ی اندیشه، از الزامات رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت است و راه تحقق آن، جنبش نرم‌افزاری است. جنبش نرم‌افزاری به معنای حرکتی فراگیر، جامع و انقلابی در راستای تولید اطلاعات و نرم‌افزارهای مناسب برای غنای هر چه بیشتر این آموزه است.

روشن است که تحقق این حرکت عظیم به نحوه برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های علمی و هنری در یک جامعه‌ی زنده و پویا برمی‌گردد؛ بنابراین بازتولید پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزاری انقلاب اسلامی یکی از مهمترین بایسته‌ها و الزامات برای رسیدن به این آرمان است و در این مسیر باید به الزامات تمدن‌سازی نوین اسلامی، کارکردهای زمینه‌سازی ظهور و شعارهای فرهنگی و تمدنی انقلاب، در راستای زمینه‌سازی ظهور توجه کنیم.

#### ۲. ایجاد درک از آینده در حال وقوع در

##### جوان تراز جامعه منتظر

تا زمانی که انسان، مقصد نهایی خود را در نظر نگیرد و به آینده روشن نیاندیشد و فرجام دنیا را فراموش کند، قابلیت تحرک و تحول نخواهد داشت. در آموزه مهدویت به این نیاز انسان پاسخ درستی داده شده و زندگی او در راستای رسیدن به این آینده روشن نهادینه شده و با تقویت بُعد فرجام‌گرایانه انسان، در مسیر درست قرار می‌گیرد.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این بیانیه آینده بیش رو را در راستای ساخت تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور ترسیم نموده‌اند؛ از این رو جوان منتظر در عرصه کار، تلاش، پژوهش و نوآوری باید در راستای تحقق این آرمان بزرگ گام بردارد.





هویت علم و دانشی که در انقلاب و جمهوری اسلامی به وجود می آید باید متمایز از دانش غربی باشد، چرا که مهمترین دال مرکزی در نظام اسلامی عبارت است از: استقلال علمی. فراتر از این، رهبر انقلاب در بیانیه، جوانان را مخاطب قرار داده و از آن‌ها زمینه سازی برای طلوع خورشید ولایت عظمی عجل الله تعالی فرجه را خواستار شده‌اند. این یعنی «علم و دانش» باید «زمینه ساز ظهور» باشد.

### دو. مجموعه نگر ی یادداشتن رویکرد نظام مند

این بیانیه نقشه راه تمدنی انقلاب است و این بدان معنا نیست که گفتمان انتظار در گام دوم انقلاب در کنار دیگر گفتمان‌ها مطرح باشد؛ بلکه باید این گفتمان بر علم و دانش یک جوان منتظر حاکم باشد؛ به عبارت دیگر، باید روح حاکم بر درس و بحث و افق نگاه جوانان در هر رشته‌ای، زمینه سازی ظهور باشد. برای این مهم صرف شرکت در دعای ندبه و زیارت جمکران در سه شنبه شب‌ها و ... کفایت نمی‌کند؛ بلکه جوانان باید در هر کار و فعالیت و هر رشته‌ای به جایگاه و وظایف خود در زمینه سازی ظهور توجه کنند و نقش خود را در پازل انتظار زمینه ساز، بیابند و درصدد ایفای آن برآیند.

توجه به این نکته ضروری است، جامعه و جوانی که درک مشترکی از آینده در حال وقوع نداشته باشد، سرگشته است و در گنش تمدنی با غرب امکان پیروزی ندارد، از این رو مقام معظم رهبری علیه السلام نقشه ی راه «تمدن نوین اسلامی» را تبیین نموده‌اند تا جوان منتظر، این دو آرمان را به عنوان درک مشترک از آینده در حال وقوع دنبال نماید.

### ۳. توجه به فرصت های پیش روی انقلاب اسلامی در نقش آفرینی تمدنی

بشر امروزی از نابسامانی های تمدن مادی سرخورده است و گرایش فکری جوانان به سمت آینده روشن و برقراری صلح و عدالت دوچندان شده است. این وضعیت از فرصت های پیش روی انقلاب اسلامی در نقش آفرینی تمدنی محسوب می شود؛ چرا که امروزه ظرفیت های تمدنی انقلاب، مورد اعتراف اندیشمندان بزرگ دنیا است.

جوان انقلابی و تراز جامعه منتظر باید رسالت انقلاب را در بسیج جهانی مستضعفین مورد اهتمام قرار دهد و توجه داشته باشد که این انقلاب توانسته است گفتمان «انتظار زمینه ساز» را در جهان قدرت بخشد اگر جوان امروز ظرفیت های تمدنی انقلاب را باور کند، به قطع و یقین برای رسیدن به حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه گام برمی دارد.

### ب) شاخصه های جوان تراز جامعه منتظر

از نظرگاه بیانیه گام دوم انقلاب

مهمترین کارکرد تمدن اسلامی در باورداشت آموزه مهدویت در کلید واژه «انتظار» محقق می شود. در حقیقت «انتظار» معنابخش زندگی در عصر پسامدرن، هویت فرهنگی تمدن انسان مسلمان و در یک کلمه «قلب اسلام» در روزگار کنونی است. از این رو فرهنگ و تمدن «انتظار محور» به هیچ وجه به وضعیت کنونی رضایت ندارد و انسان منتظر، آینده روشن را طلب می کند و در این راه صرفا به دعا و آرزو داشتن کفایت نمی‌کند. او امروز خود را می‌سازد تا با رسیدن جامعه بشری به بلوغ اجتماعی، زمینه برای ظهور آخرین حجت الهی مهیا شود. از این رو ویژگی های جوان تراز جامعه منتظر از نظرگاه بیانیه گام دوم انقلاب رایی جویی می‌کنیم.

### یک. فرهنگ سازی

درس و بحث جوان تراز جامعه منتظر، مبتنی بر هویت متمایز فرهنگی است. این «هویت»، در بیانیه گام دوم به عنوان «رسالت»، برای جوانان مشخص شده. برای رسیدن به این شاخصه، جوانان باید به دنبال هویت سازی علمی در جمهوری اسلامی ایران باشند.



## سه: مواجهه با ضد فرهنگ ها در عرصه انتظار

مقام معظم رهبری علیه السلام موانع «مهندسی فرهنگی» را در بیانیه گام دوم انقلاب بررسی کرده‌اند. یکی از مهمترین شاخصه‌های جوان تراز جامعه منتظر، مواجهه و مقابله با ضد فرهنگ ها در عرصه انتظار است. در تحلیل «گفتمان انتظار و آموزه مهدویت» برخی جریان های انحرافی با چراغ روشن، این آموزه را مورد حمله قرار می دهند مثل باییت، بهائیت و جریان احمدبصری.

اگر می‌گوییم جوان تراز جامعه منتظر باید تکاپو داشته باشد، صرفاً در مواجهه با جریان های انحرافی تابلودار نیست. می‌توان گفت: فضای علمی امروز ما مبتلا به دو آسیب بزرگ در تفسیر گفتمان انتظار است: یکی «ترویج سکولار انتظار» و دیگری «ارائه تفسیر حداقلی از انتظار».

تفسیر سکولار از انتظار می‌گوید:

این «انتظار» نمی‌تواند برای استخراج قوانین لازم برای زندگی منتظران کافی باشد و معتقد است که انتظار مهدی موعود علیه السلام، ناظر به زندگی اجتماعی نیست. و تفسیر حداقلی از انتظار می‌گوید:

«عرصه اجتماعی» ساحت خطاب مهدی موعود علیه السلام نیست. برون داد این نگاه، انجمن حجتیه است. در بیانیه گام دوم انقلاب، نگاه به «انتظار»، نگرشی تمدنی، نظام وار و جامع است و توقع می‌رود جوان تراز جامعه منتظر در کنار چنین نگرشی، با این دو جریان فکری منحرف، مقابله و مواجهه فعال داشته باشد.

## چهار: مسئولیت‌سازی و مسئولیت‌پذیری

جوان تراز جامعه منتظر باید بداند و درک کند که رقیب تمدنی ما؛ یعنی تمدن غرب و مدرنیته، بشدت تکاپوهای آخرازمایی دارد، مثل صهیونیسم مسیحی که با سه عنصر یهودیت، مسیحیت و صهیونیسم گره خورده است و با عمق وجود احساس می‌کند در آستانه پایان تاریخ و آخرازمان قرار دارد. به همین جهت می‌کوشد هر آنچه را که باید و لازم است، درباره ظهور عیسی مسیح علیه السلام انجام دهد. جوانان باید توجه کنند رقیب تمدنی، از انتظار مسیحا تفسیر مدنظر خود را ارائه می‌کند؛ چنانکه برخی از او انجسلیت‌ها تشکیل رژیم صهیونیستی را نشانه ظهور می‌دانند و معتقدند اگر بخواهیم مسیحا بازگردد باید فلسطین به یهود برسد.

## ج ( راه چاره و نجات

راه چاره آن است که جوان منتظر با مسئولیت‌پذیری، راه برون رفت از آشوبستان مدرنیته را دریابد و مبتنی بر مطالبات رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، بداند:

- در چشم انداز جامعه مطلوب آخرازمایی برای رسیدن از وضعیت موجود به مطلوب، چه الگویی وجود دارد؛

- در راه رسیدن به جامعه موعود چه رسالتی دارد؛

- اگر به استقلال علمی برسیم به ساخت تمدن نوین اسلامی کمک می‌شود.

بی‌گمان درک این رسالت در روزگار کنونی بزرگ‌ترین مطالبه رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.





## مهدویت، کلان آرمان انقلاب اسلامی و الزامات آن در اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام

حجت الاسلام حسن ملایی؛ در اینجا بخشی از مقاله بیان شده است

پرهیزگاری و خلق نیکو رفتار کند و اوست منتظر، پس اگر اجلش برسد و امام قائم علیه السلام پس از درگذشت او قیام کند، بهره او از پاداش مانند کسی است که آن حضرت را دریافته باشد.<sup>۲</sup>

### انتظار محوری در سبک زندگی همگان و به ویژه کارگزاران

مقام معظم رهبری در سخنی قابل توجه، فساد اخلاقی و اقتصادی مسئولان در فعالیت‌های سیاسی و جمع‌آوری ثروت توسط کارگزاران حکومت را فاجعه بار خوانده و می‌فرماید: «قانون‌دان‌های قانون‌شکن، خطرناک‌تر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ‌وخم‌ها و دالان‌های تودرتوی قانون را خوب می‌شناسند، اما خودشان قانون‌شکنند؛ بدون اینکه معلوم شود کارشان قانون‌شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است. این چیزی است که با نظام اسلامی و با انتظار مهدی علیه السلام کاملاً منافات دارد»؛<sup>۳</sup>

ایشان در ادامه سوء استفاده از قدرت و ثروت را در کشور امام زمان علیه السلام جرم دانسته و فرمودند:

«در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است، فریب و حيله‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم است؛ استفاده از قدرت برای بدست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرائم است. آنجا یاران حضرت مهدی علیه السلام موظفند در سطوح پایین زندگی کنند. نظام اسلامی ما پرتو کوچکی از آن حقیقت درخشان است. ما هرگز این ادعا را نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ اما باید نشانه‌ای از او داشته باشیم... در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاه‌های مختلف و مدیریت‌ها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این‌طور شد، آن‌گاه دست‌ها و دامن‌ها پاک خواهد ماند».<sup>۴</sup>

نباید به صرف معرفی مهدویت و انقلاب امام زمان علیه السلام به عنوان کلان آرمان انقلاب اسلامی اکتفا نمود بلکه این شناخت، مسئولیت‌ها و لوازمی را با خود همراه خواهد داشت که به مهمترین آنها در سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای علیه السلام اشاره می‌شود:

### توجه دائمی مردم و مسئولان به آرمان مهدویت

توجه دائمی به آرمان مهدویت و عدم فراموشی آن در مسیر تلاش برای اهداف دیگر انقلاب، وظیفه‌ای است که عموم مردم و مسئولان نظام اسلامی باید آن را مد نظر قرار داده باشند. فرازهای متعددی از سخنان رهبر معظم انقلاب نیز وجود دارد که ایشان همگان را به این امر مهم متذکر شدند ایشان پس از بیان اینکه: «مسئله‌ی انتظار از کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است»<sup>۱</sup> فرمودند: «شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمانهای بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها... رضایت به وضع موجود ندهیم، که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است».<sup>۲</sup> به همین جهت «اهتمام جدی به آرمان‌های دینی و الهی و تعهد انقلابی لازمی پیشرفت واقعی کشور است و این موضوع باید در همه‌ی عرصه‌های کشور اعم از اقتصاد، سیاست، کار علمی، اداره‌ی کشور و گزینش مدیران مورد توجه ویژه قرار گیرد».<sup>۳</sup>

### تلاش عملی برای زمینه‌سازی ظهور

آرمان مهدویت نباید در حد حرف و شعار باقی بماند بلکه باید آن را در متن فعالیتها و رفتارها به جریان انداخت و این موضوع نکته مهمی است که مقام معظم رهبری به آن توجه می‌دهند: «هرچند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه‌ی آرمانی آن ختم کرد، یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حد اکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه. این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید».<sup>۴</sup> در همین راستا اقدام عملی در مسیر آرمان مهدویت را زمینه‌سازی ظهور باید معنا کرد و امام خامنه‌ای در بیانات مهدوی خود به صراحت این نکته را به مسئولان و مردم گوشزد کرده و فرمودند: «با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که این شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود علیه السلام را فراهم خواهد کرد».<sup>۵</sup>

### حاکمیت اخلاق در رفتار مردم و مسئولان

افراد و جامعه‌ای که آرمان حکومت مهدوی را در افق اندیشه خود دارد نمی‌تواند نسبت به مقوله اخلاق بی تفاوت باشد؛ امام خامنه‌ای در یکی از دیدارهای خود در همین باره چنین فرمودند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خُلقیات نیکو، نمی‌تواند به هدفهای والای بعثت پیامبر دست پیدا کند».<sup>۶</sup> این سخن برخاسته از روح حاکم بر دین و احادیث مهدوی معصومین است. امام صادق علیه السلام در همین زمینه فرمود: «هر کس که بودن در شمار یاران قائم شادمانش سازد باید به انتظار باشد و با حال انتظار به

## عدالت گستری در همه سطوح

مهمترین شعار مهدویت را بدون تردید باید کلیدواژه عدالت دانست. اگر آرمان انقلاب اسلامی، مهدویت و زمینه سازی برای ظهور است پس باید این عدالت در رأس تمام سیاست گذاری ها و اقدامات عملی باشد. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید:

« هدف بزرگ پیامبران و هدف قیام ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تأمین عدالت اجتماعی است. اولین ارزش در نظام ما از لحاظ عملی، باید تأمین عدالت اجتماعی باشد. این مهم باید در تمام برنامه ریزی ها و عمل ها و امثال آن، مورد توجه قرار گیرد»<sup>۱</sup>.

ایشان معیار پیشرفت در جمهوری اسلامی را عدالت دانسته و می فرمایند: «اگر ما ایران را مثل کشورهای برخوردار مادی ساختیم، اما از عدالت خبری نبود، این هیچ ارزش ندارد... بشریت که با عطش تمام، منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و میخواهد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بیاید و چشم انتظار آن حضرت است، برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است»<sup>۱۱</sup>. ایشان در سخنی بسیار مهم، عدالت ورزی را معیار مشروعیت تمام مسئولان نظام حتی خود رهبری دانسته و می فرمایند: «فلسفه ی وجود من و امثال من در اینجا - که بنده یک طلبه هستم - این است که ما بتوانیم عدالت را اجرا کنیم و لا غیر»<sup>۱۲</sup>.

## تربیت انسان های صالح تر از انقلاب مهدوی

بدون شک، یکی از زمینه های قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه - همانند همه انقلاب ها - وجود کادر و نیروی مؤمن و کارآمد است؛ بدیهی است که این یاران یک دفعه به وجود نمی آیند بلکه باید برای این آرمان بلند تربیت شوند و این همان بایسته مهم و راهبرد اساسی است که رهبر عزیز انقلاب اسلامی به آن تصریح دارند و می فرمایند: «... این واقعیتی است که برای یک انقلاب، انسان سازی از همه چیز مهمتر است. اگر انقلاب، انسان سازی نکند، هیچ کاری نکرده است. اگر کسی فکر بکند، دلیل این معنا واضح است. یعنی این حرف، واقعاً استدلال نمیخواهد؛ چون دنیا بدون انسان صالح، یک پدیده ی بی جان و کور و تاریک است... تمام پیامبران و عباد الله الصالحین، همشان این بوده که انسان صالح را در این زمین به وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند. هدف اسلام هم این است... این بدبختی هایی که شما می بینید روی زمین را فرا گرفته است و در زیارت ها و آثار مربوط به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه آمده است: «کما ملئت ظلما وجورا»؛ زمین در تمام دوره های تاریخ، پُر از ظلم و جور شده است و میشود و آن بزرگوار می آید، همه ی زمین را از قسط و عدل پُر میکند، این ظلم و جور روی زمین، بر اثر چیست؟ بر اثر نبود یا کمبود انسان صالح، بر اثر سروری و خدایگانی انسان های ناصالح... انقلاب ما آمد، تا انسان صالح تربیت کند»<sup>۱۳</sup>.

۱. ما منتظریم، ص ۱۵۹.

۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵/۳/۱۴.

۳. دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال آور دانشگاه شریف با رهبر معظم انقلاب ۱۳۹۵/۱۰/۱۳.

۴. ما منتظریم، ص ۳۰۹. ۵. همان، ص ۱۹۸.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶.

۷. «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَخَابِسِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَذْرَكَ»: الغيبة نعمانی، ص ۲۰۰.

۸. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۳۰/۷/۱۳۸۱.

۹. همان.

۱۰. ما منتظریم، ص ۲۰۴.

۱۱. همان، ص ۲۰۱.

۱۲. همان، ص ۲۰۴.

۱۳. ما منتظریم، ص ۲۰۷-۲۰۴.



## با هر قدمی در راه استواری انقلاب یک قدم به ظهور نزدیک تر می شوید

هم روحتان در انتظار حضرت مهدی عج باشد، هم نیروی جسمی تان در این راه حرکت بکند. هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمی دارید، یک قدم به ظهور حضرت مهدی عج نزدیک تر می شوید.

## فرجام این انقلاب چه خواهد بود؟

تبیین سرنوشت انقلاب اسلامی ایران عزیز بر اساس بیانات مقام معظم رهبری عج

### تحقق حیات طیبه برای همه ملت ایران

... در این سالها تقریباً در سخت ترین شرایط حرکت کردیم و سخت ترین گذرگاهها را پشت سر گذاشتیم. نمی گویم همه چیز تمام شده و دشمن ما را رها کرده است؛ خیر، دشمن که از خیانت خود دست برنمی دارد؛ می خواهیم بگویم که بخش سخت تر راه را طی کرده ایم و بخش آسان تر و راحت تر آن پیش روی ماست.

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می فرماید: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است.

حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان های مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است... از یک طرف بازوانِ فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دل خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجه و توسل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ بخصوص حضرت بقیة الله الاعظم (ارواحنا فداه).

این خواهد توانست همان حیات طیبه ای را که قرآن وعده کرده است و انقلاب برای آن است، این شاء الله برای شما مردم به ارمغان آورد. ۱۳۷۴/۰۷/۲۲

### تشکیل تمدن نوین اسلامی

خط کلی نظام اسلامی چیست؟ رسیدن به تمدن اسلامی.

این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح، البته این که در مقابل تمدن کنونی بشر - یعنی تمدن مادی غرب - می تواند تمدن دیگری مطرح شود یا نه و این تمدن برای پیدایش خود و سپس برای ماندگاری و استواری خود، از چه عناصر و از چه عواملی کمک خواهد گرفت، در این باره سخن ها هست. اگر شما به بلندگویان تمدن کنونی غرب مراجعه کنید، آنها خواهند گفت تمدن مادی غرب ابدی و تغییرناپذیر است. از اوایی که این تمدن اوج گرفته بود - یعنی از قرن نوزدهم میلادی - بحث معارضه ای سنت و مدرنیته را مطرح کردند. یعنی همه ی آنچه که این تمدن تقدیم بشریت می کند، چیزهای مدرن و نو و تازه و اجتناب ناپذیر و جذاب و خواستنی است و هرچه در مقابل آن است، این سنت است، این منسوخ است، این قدیمی است، این زوال پذیر است.

این بحث را شما امروز هم گاهی در برخی از محافل روشنفکری مامی ببینید؛ اما این بحث نوبی نیست؛ این بحث قرن نوزدهمی دنیای غرب است که ادامه پیدا کرده؛ با این هدف که تمدن غرب در راه خود، همه فرهنگ ها را، همه تمدن ها را، همه زیرساخت های مدنی را، همه روابط انسانی و اجتماعی را، همه آن چیزی را که تمدن غرب آن را نمی پسندد، از سر راه خود بردارد و حاکمیت مطلق خود را با پشتوانه قدرت مادی و سرمایه داری از یک سو، قدرت نظامی و سیاسی از یک سو، قدرت رسانه ای از یک سو، ابدی کند....

بیشک تمدن اسلامی می تواند وارد میدان شود و با همان شیوه ای که تمدن های بزرگ تاریخ توانسته اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پُرکار را ببینید و به آن نقطه برسند. البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.



بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه، آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور ایشان، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیز تندتر، همه جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی ضایعات یا کم ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه استعدادها موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند. امروز از امکانات بشر استفاده بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور. همه این پدیده‌هایی که شما می‌بینید علیه محیط زیست و در آلوده‌سازی محیط زیست وجود دارد، ناشی از بد استفاده کردن از امکانات طبیعی است. بشر در این راه افتاده است و پیش می‌رود؛ اما این راه درستی نیست؛ راه منحصری نیست. راه دانش، راه‌های فراوانی است. بشر می‌تواند در سایه نظام الهی آن راه را بیابد و طی کند. فعلاً نمی‌خواهیم وارد این بحث شویم؛ این بحث مجال وسیع‌تری می‌طلبد. به هر حال خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است.

۱۳۷۹/۰۷/۱۴

### زمینه‌سازی ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه

اگر شما ملت عزیز ما، شما جوان‌های خوش روحیه و پرتوان و عازم، در این راهی که دارید می‌روید، ایستادگی کنید، شک نکنید که در زمان خود، در زمان متناسب، تمام آمال و آرزوها و داعیه‌ها و شعارهای ملت ایران نه فقط نسبت به خود این کشور، بلکه نسبت به دنیای اسلام و امت اسلامی و جامعه‌ی بشری تحقق پیدا خواهد کرد. هر کاری دوره‌ای دارد، زمانی دارد؛ در زمان متناسب خود، این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. ملت ایران به آن نقطه‌ای که مورد نظر اوست، به دنبال آن حرکت کرده است، اهتمام ورزیده است، خواهد رسید؛ راهش مقاومت کردن است. آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟

مسیر تاریخ دنیا تغییر پیدا خواهد کرد؛ مسیر تاریخ عوض خواهد شد. امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر عجل الله فرجه آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.

۱۳۹۱/۱۰/۱۹



غلامرضا صالحی

## فرهنگ مهدویت، جوهره انقلاب اسلامی

اهداف و آرمان‌های یک رویداد هر چه والاتر باشد، نتایج آن نیز گران قدرتر خواهد بود. جریان انقلاب شکوهمند ایران اسلامی نیز از جمله وقایعی بود که با مقاصد الهی و آسمانی اتفاق افتاد. مردان و زنانی که با اقتدا به سالار شهیدان حضرت سیدالشهدا علیه السلام توانستند کاخ چند هزارساله طاغوت و شرک و پلیدی را واژگون سازند و با توجه به توسل به صاحب و مقتدای خود حضرت مهدی علیه السلام که همیشه نگهدار مسلمانان است، پرچم پرافتخار اسلام ناب محمدی را بر فراز ایران برپا کنند. در حقیقت می‌توان گفت این وعده تخلف ناپذیر الهی بود که در این سرزمین محقق گردید که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید اگر خدا را یاری کنید؛ خداوند نیز شما را یاری خواهد کرد و شما را در این راه ثابت قدم خواهد داشت» (محمد/۷)

انقلاب اسلامی ایران، حلقه اتصال عمیق و جدانشدنی با قیام حضرت مهدی علیه السلام دارد و به جرأت می‌توان گفت که نقش اصلی و حقیقی این حرکت عظیم مردمی را می‌توان در تمسک به فرهنگ ناب مهدویت جستجو نمود.

امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «رفتن به انگلیس و فرانسه و مسکوافتخاری پرارزش بود و به حج و یا اماکن متبرکه رفتن، کهنه پرستی و عقب ماندگی به حساب می‌آمد و بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن حساب می‌شد».

(وصیت‌نامه سیاسی الهی، ص ۱۵)

یکی از مشخصه‌های حکومت مهدوی ایجاد حیات طیبه و دمیدن روح معنویت در جامعه است. چنانچه در روایتی از امام

حسین علیه السلام می‌خوانیم:

«حضرت مهدی علیه السلام امامی است که قیام

به حق می‌کند و خداوند زمین را پس از

آنکه با کفر و بی‌دینی مرده است به وسیله

او زنده می‌کند.» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲)

مردم ایران اسلامی با تبعیت از آرمان مهدویت

این چنینی توانست یک زندگی سعادت‌گونه

و طیب و طاهر را برای خویش رقم بزند تا در

چنین جامعه‌ای بتوان در راستای هدف

خلقت و رسیدن به کمالات معنوی و مادی

گام برداشت.

اندیشه‌ها و رفتارهایی که ملت متدین کشورمان را در به ثمر رساندن این حرکت آسمانی کمک نمود، از این قرار است:

### .... به دست آوردن زندگی با معنا و هدف دار

انسان با پا گذاشتن بر این کره خاکی مسئولیت‌ها و وظایفی برایش پدید می‌آید که در سایه انجام آنها می‌تواند به سعادت واقعی برسد. انسان بیهوده و سرگردان خلق نشده است و تمامی صحنه‌های این دنیا برای او مکان آزمایش و امتحان الهی می‌باشد. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا خیال می‌کنید ما شما را عبث آفریده‌ایم و شما بیهوده سوی ما باز نمی‌گردید» (۱۱۵/ مؤمنون)

مردم ایران در دوران رژیم طاغوت از یک حیات الهی و هدفمند، منع شده بودند و هیئت حاکم، زندگی را چیزی جز دنیاپرستی و شهوت رانی و بی بند و باری و مد پرستی و باج دادن به استعمارگران نمی‌دانست و علناً مانند دوران زندگی امام حسین علیه السلام دین مقدس اسلام رو به انحراف کشیده شده و به احکام دین عمل نمی‌شد و مردم از چنین شرایطی به تنگ آمده بودند.

## .... فروریختن بنیاد ستم و حکومت نامشروع

از خصوصیات اصیل همگی انبیا و اوصیای الهی باطل ستیزی بوده است. در هر زمانی فرعون هایی یافت می شوند که عرصه را برای عدالت الهی تنگ می کردند و در این جا این وظیفه فرستادگان و اولیای الهی بود که روبروی آن می ایستادند تا آن را از بین ببرند و ساکت ننشینند

چنان چه قرآن کریم، ایمان واقعی را در دشمن ستیزی و نفی طاغوت معرفی می کند: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى؛ کسی که با طاغوت دشمنی کند و ایمان به خدا بیاورد او به ریسمان محکم تقوی دست زده است». (بقره/۲۵۶)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با قیام مقدس خویش تمامی طاغوت های زمان را نابود می کند و حکومت مشروع الهی را بر جهان سیطره می دهد. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرمایند:

«او دوازدهمین ما ائمه است خداوند هر مشکلی را برایش آسان می کند و هر گردن کشی را به وسیله او سرکوب می کند. گنج ها و معادن زمین برای او پدیدار می شود و هر چه دوری برایش نزدیک می شود. ستمگران بی دین را نابود می کند و شیاطین متمر در راه هلاکت می رساند.» (بحار الانوار، همان، ص ۱۵۱)

ملت ایران اسلامی نیز خواهان حکومت الهی و دینی بودند و با درس گیری از مکتب امام حسین علیه السلام از دستگاه نامشروع و یزیدی بیزار بودند و می خواستند هر طور که شده اساس چنین حکومتی را از بین ببرند، طاغوتی که جز ترویج مذهب لائیک و لیبرالیسم و مادی گرایی چیزی در بر نداشت و این حکومتی که از غرب و شرق عالم دستور می گرفت و یک خود باختگی همگانی را برای آنان به ارمغان می آورد را متزلزل ساختند.

همان گونه که امام راحل فرمودند: «ملت عزیز سرتاپا معتقد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می خواهد حقایق قرآنی را نجات دهد و بشر را از قیودی که بردست و پای و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و سستی و بردگی و طاغوت می کشاند نجات دهد. آمریکا با همه ادعاهایش و همه ساز و برگش در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه رسوا و وامانده گشت و این امداد غیبی خداوند بود که ملت ایران را بیدار کرد و از ظلمات شاهنشاهی به نور اسلام هدایت کرد». (وصیت نامه سیاسی الهی، ص ۵)

## .... درخشش در وادی ولایت و رهبری الهی

یکی از ویژگی های مهم انسان های هدفمند و وارسته تبعیت از محبت الهی و حاکم دینی مشروع است که این یکی از شاخصه های مهم یک حکومت دینی می باشد. اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را گوشه نشین نمودند و اگر امام حسن علیه السلام را مجبور به صلح کردند و اگر امام حسین علیه السلام را غریبانه و مظلومانه در کربلا به شهادت رساندند و اگر هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام را به نحوی گوشه نشین نمودند و در نهایت به شهادت رساندند همه به خاطر بی وفایی یاران و وظیفه شناسی مردم زمان آنها بود که از اطراف آنان پراکنده می شدند.

یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یاران وفادار و مستحکم آن حضرت می باشد که حاضرند با تمام وجود در راه احیای ارزش های الهی و اسلامی در صحنه حاضر باشند و دست از دفاع از حریم ولایت و خاندان اهل بیت علیهم السلام نکشند.

امام صادق علیه السلام در وصف آنان چنین می فرماید: «اصحاب حضرت مهدی هر کدام برابر چهل نفر توانایی و قدرت (الهی) دارد و دارای قلبی محکم و قوی مانند پاره های آهن هستند.»

(وصیت نامه سیاسی الهی، ص ۱۲)

ملتی که دوشادوش دور امام عزیزمان را گرفته و این انقلاب را به ثمر رساندند کسانی بودند که می دانستند باید از ولی فقیه حمایت نمود و از حول محور ولایت و رهبری یک لحظه غفلت نکردند و با تبعیت از امام و مقتدایشان که محور اسلام و قرآن بود توانستند حکومت ستم شاهی پهلوی را واژگون سازند و بی شک می توان رمز پیروزی این انقلاب و همچنین بقای آن را در اتحاد و همبستگی حول محور ولایت و رهبری الهی دانست و این همان چیزی است که دشمنان به آن معترفند و یکی از وظایف اصلی همه مردم عزتمند ایران دفاع و مواظبت از این رکن اصیل انقلاب می باشد.

بی شک می توان ملت ایران را از سایر ملت های دنیا حتی از مردم زمان ائمه در پیروی از آرمان های اسلام و قرآن برتر و عظیم تر دانست و نمونه عینی و خارجی از یک ملت الهی و اسلامی به شمار آورد همچنانکه امام عزیزمان در این باره فرمودند: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران وتوده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام می باشند.» (همان)



# آن روزها، این روزها

(مروری بر تحول فرهنگ انتظار در قبل و بعد از انقلاب اسلامی)

حجت الاسلام محمد رضا فوادیان

مقایسه فرهنگ انتظار در گذشته با حال، تغییراتی را نشان می دهد که توجه به آن یکی دیگر از دست آوردهای انقلاب اسلامی ایران را تابناک تر می سازد. شما فکر می کنید سطح مباحث مهدویت در دوران قبل از انقلاب چگونه بود؟

## ..... آن روزها.....

در آن روزها توجه به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له تنها به عنوان منجی موعود و نجات بخشی که در آینده ای نامشخص می آید و به همه دردها و نابرابری ها پایان می دهد. یعنی تمرکز و نقطه ثقل مباحث مهدویت بر عصر ظهور استوار می شد و هیچ چشم انداز روشنی برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در عصر غیبت نبود، وظایف منتظران در دعا برای تعجیل فرج خلاصه شده بود و تنها در جامعه، ولایت ورزی (تولی) موج می زد و توجهی به برائت جویی (تبری) از دشمنان حضرت دیده نمی شد و به جای زدن ریشه انحراف، به اصلاح شاخ و برگ اکتفا می شد. ضمن آنکه برداشت مناسبی از مفهوم انتظار، در جامعه دیده نمی شد، حتی برخی ها انتظار را به یکی از عوامل رکود و انفعال و انزوای سیاسی تبدیل کرده بودند.

انتظار منفی و تعطیلی حکومت، کمک به گسترش ظلم بر جامعه ایران، چیره و غالب گشته بود. به نظر می رسد تجربه تاریخی این نگاه را به این ذهنیت رسانده بود که تنها دو مدل حکومت وجود دارد؛ حداکثری: حکومت امام معصوم علیه السلام و حداقلی: حکومت امیر ستمگر که نمی تواند مشروع باشد و صحبتی از حد متوسط و ایجاد جامعه زمینه ساز نبود؛ به عبارت دیگر اندیشه مهدویت در جایگاه یک گزاره دینی، بحث و بررسی می شد و روح حاکم بر دین اسلام نبود و رویکرد غالب اندیشوران، معطوف به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزئی بود. نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب آن روزهاست. بحث های بسیار ساده و پیش پا افتاده از این فرهنگ در آن دوران بود که سبب می شد نقلیات و روایات تاریخی «متضاد» و «متناقض» مطرح شده و اساساً تحلیل درباره آن نبود. این خود عاملی می شد تا به عمق اندیشه مهدوی نظر و توجه نشود و از سوی دیگر مهجوریت و مغلوبیت سیاسی، اجتماعی در قرون متمادی، عاملی شد تا، به آموزه مهدویت رویکردی «عاطفی» داشته باشند؛ در نتیجه از کانون اندیشه مهدویت، کمترین بهره برداری معرفتی، معنوی انجام شود و اصلاً نگاه دکترین به آن نباشد و هیچ گاه به عنوان علمی بین رشته ای مطرح نشد. شما در آثار مکتوب قبل از انقلاب رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در مباحث مهدویت مشاهده نمی کنید.

## ..... این روزها.....

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، نگاه و رویکرد اندیشوران مسلمان و حتی غیر مسلمان به این اندیشه نیز تغییر یافت و دیگر مانند گزاره ای هم ردیف سایر گزاره های دینی به تحقیق در باره آن پرداخته نشد و به جای آنکه فقط هویت آفرین باشد، آرمان زایی نیز مورد توجه و دقت قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران که وامدار و مدیون این اندیشه است و قطعاً یکی از اسباب پیروزی انقلاب آرمان های مهدوی است، چارچوب های نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت را ارتقا و سطح مباحث را قوت و عمق بخشید. حتی این آموزه خاستگاهی شد برای اصول راهبردی تا این آموزه بیش از پیش در متن زندگی مردم وارد شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت کبرا، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه السلام و... از عناصر و مؤلفه های چنین رویکردی است.

تغییر نگرش عمومی به آموزه مهدویت از یک مسأله فرعی به عنصری سیاسی، حماسی و تحول آفرین، از دستاوردهای ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به شمار می آید. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ هویتی که آدمی را به هدفی مقدس در جهت پی گیری آرمان های بلندش فرا می خواند. آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می سازد، بلکه رفتارها، کنش ها و هنجارهای جدیدی را پدید آورده و آرمان بوجود خواهد آورد.



## باید از آن روزها (دیروز) و این روزها (امروز) درس گرفت و زمینه ساز (فردا) شد.

به عبارت دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال‌ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در یک کلمه، در جا زدن به امید برآمدن دستی از غیب تعریف می‌شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد. «راضی نبودن به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب»، «انتظار بذر انقلاب»، «انتظار احتراز یا اعتراض» و ... مباحثی است که قبل از انقلاب دیده نمی‌شود.

انقلاب اسلامی، تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی‌عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان نامشروع را به دنبال داشته است.

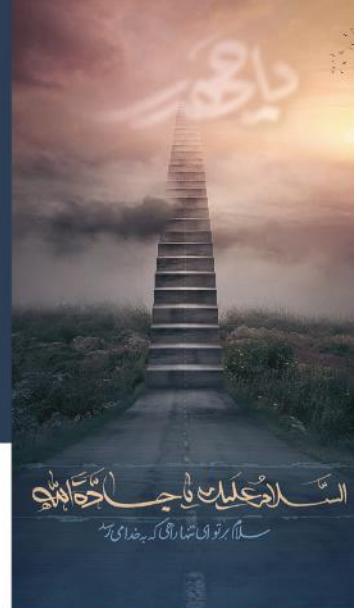
مرحوم حضرت امام در برخی از حوزه‌های علوم دینی تحول آفرید که اندیشه مهدویت نیز بی‌نصیب نبود. ایشان درباره لزوم زمینه‌سازی و نقش اجتماعی انتظاری فرماید:

«ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند.»

صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۶۹

تحولات جاری در منطقه و عرصه بین‌الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان. به ویژه دنیای غرب. مؤید این واقعیت است که امام خمینی علیه السلام با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی در واقع، آغازگر کوشش ویژه در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام است. بنابراین از آن روزها (دیروز) و این روزها (امروز) باید درس گرفت و زمینه ساز (فردا) شد.

# حقانیت تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور



اما در مقام پاسخ به این افراد عرض می شود که اندکی تأمل درباره روایات فوق ما را به این نتیجه می رساند که منظور از گسترش ظلم و ستم در دسته اول از روایات، این نیست که همه جهان از فساد و تباهی پر شده باشد به گونه ای که در هیچ بخشی از جهان اثری از نور و روشنی دیده نشود؛ بلکه منظور این است که فساد و ظلم در جهان فراگیر و فراوان خواهد شد و این منافاتی با وجود حکومت اسلامی در بخشی از جهان و یا فریادهای حق طلبانه در بخش های دیگر جهان ندارد؛ درباره دسته دوم روایات نیز باید گفت این خوانش سلیبی از ظاهر روایات که منشعب از فرهنگ آخباری گری است، هر نوع اقدامی در جهت اصلاح اجتماعی و سیاسی را باطل قلمداد میکند و چله نشینی و سکوت را یگانه رسالت منتظران تعریف می کند؛ غافل از این که این قبیل روایات به قیام هایی ناظر است که به نام «مهدی» صورت می گیرد و انقلابیون مردم را به خود دعوت میکنند، نه هر نوع قیام و حرکت اصلاح گرایانه ای که در جهت احیای دین و اقامه توحید در سطح عام باشد. علاوه بر این که در زمان حضور ائمه، انقلاب هایی نظیر قیام مختار و زید به وقوع پیوست که گرچه اذن اولیه این انقلاب ها از جانب معصومین صادر نشده بود ولی مورد دعا و تأیید ضمنی اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت همچنین این نوع برداشت از ظهور و انتظار مهدی علیه السلام که با بدفهمی از پاره ای روایات، به خویشتن داری در مقابل ظلم دعوت می کند، ناخواسته منجر به نوعی تعطیلی در حدود و قوانین شریعت و گسترش فساد به وسیله مفسدان در سطح جامعه می شود که با موازین اسلامی مطابقت ندارد.

در نتیجه در فضای ظلمت زده جهانی نیز امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد و اساساً با توجه به اعتقادات اسلامی لازم است به عنوان مسلمان تکلیف مدار در راه تحقق این تکلیف عظیم اسلامی یعنی تشکیل حکومت اسلامی اقدام نماییم؛ آذله دال بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی و لزوم اجتناب از طاغوت همگی بر این مطلب تأکید می نمایند از جمله آیه ای که می فرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ؛ در برابر ظالمین کرنش و اطاعت نکنید که در این صورت آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت» (هود/۱۱۳)

و یا روایاتی که از حاکم قرار دادن طاغوت ها منع می نمایند و بالاتر از همه، آذله وجوب امر به معروف و نهی از منکر که طبق آن بالاترین معروف تشکیل حکومت به منظور زمینه سازی اجرای تمامی معروف ها و ریشه کنی منکرات می باشد.

لذا تشکیل حکومت اسلامی در دوران پیش از ظهور نه تنها مغایرتی با روایاتی که جهان پیش از ظهور را آکنده از ظلم می دانند، ندارد بلکه حتی ضرورت هم داشته و در صورت فراهم شدن شرایط تشکیل حکومت، لازم است دست به تشکیل حکومت اسلامی تا حد مقدور زد که در زمان حاضر نیز امام خمینی علیه السلام با مساعد دیدن شرایط برای قیام و تشکیل حکومت اسلامی و با حرام اعلام نمودن تقیه (صحیفه نور، ۱۳۳۷ ش، ج ۱، ص ۱۷۸) دست به قیام زد که سرانجام منجر به ایجاد حکومت اسلامی شد و هر چند این حکومت اسلامی حکومت ایده آل و مطلوب صد درصد نیست، اما یقیناً حکومتی است که در مسیر تحقق حکومت ایده آل قدم برداشته است و این حکومت حداقل، حکومت طاغوت نیست و مبنا و پایه آن بر اساس دین بوده و در جهت و مسیر آن حرکت می کند.

چگونه می توان انقلاب اسلامی ایران را زمینه ساز انقلاب حضرت مهدی علیه السلام دانست در حالی که تصویری که در بسیاری از روایات از جهان پیش از مهدی موعود علیه السلام ترسیم شده است جهانی تیره و تار است، چنانکه در برخی روایات اسلامی از پر شدن جهان از ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت سخن به میان آمده است، از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا، درود و سلام خدا بر او باد. فرمودند: امامان پس از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل هستند، نه نفر از آنها از نسل حسین. درود خدا بر او باد. هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد، پس از آنکه از ستم و بی عدالتی پر شده باشد»

(بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۹، ح ۲۲۸)

مفاد برخی روایات نیز، هرگونه قیام و حرکتی در عصر انتظار را نفی کرده و بطلان یا نافرجامی آن را گوشزد می کند.

به عنوان نمونه در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: «هر پرچمی که قبل از قیام قائم علیه السلام برافراشته شود صاحب آن طاغوت بوده، اطاعت او خروج از اطاعت خداست» (جمعی از مؤلفین ۱۴۲۸ ق: ج ۳، ص ۴۳۱) با وجود روایاتی از این دست است که بعضی تشکیل هر گونه حکومت اسلامی قبل از ظهور مهدی موعود علیه السلام را بر نمی تابند.

# انقلاب اسلامی ایران جلوه‌ای از الطاف امام

حجت الاسلام علی ابوالحسنی (منذر)

انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (از حوادث کم نظیر تاریخ این مرز و بوم است که توانست رژیم پهلوی را - که قدرتهای بزرگ شرق و غرب، مدافع آن بودند و تا بین دندان مسلح بود - به گورستان تاریخ فرستد و بساط کهنه شاه و شاهبازی را برای ابد از این کشور بیرون بریزد.

درباره علل و عوامل "ظاهری" و "مادی" انقلاب اسلامی تاکنون فراوان سخن گفته اند؛ اما جادارد درباره ابعاد "ناشناخته و پنهان" این جنبش تاریخ ساز - که رهبر فقید انقلاب، آن را "انفجار نور" و "معجزه الهی" می نامید - نیز تحقیقات شایسته انجام گیرد. در طول این انقلاب سترگ، شواهد و دلایل بسیاری وجود دارد که در مجموع، به گونه ای شفاف و اطمینان بخش، از امدادهای غیبی نسبت به ملت و کشور به پا خاسته

## الطاف غیبی به انقلاب اسلامی

ناگهان، همه این ترس ها فرو ریخت و همان مردم - در حالی که نه از شاه و ارتش و ساواک جهنمی او ترسیدند و نه هیبت ابر قدرت های پشتیبان وی هراسی داشتند - به میدان آمدند و با شهامتی چشمگیر و مثال زدنی پنجه در پنجه رژیم پهلوی افکندند. به ویژه، روحیه شهادت طلبی در مردم (به خصوص جوان ها) شگفتی هآفرید.

امام نقل می کند: پس از انقلاب، دختر و پسری نزد من آمدند که بینشان صیغه عقد جاری کنم. زمانی که مراسم اجرای عقد تمام شد، عروس، کاغذی نوشت و به دست من داد. وقتی پس از رفتن آنها کاغذ را نگاه کردم، دیدم نوشته است که: "آقا! من عاشق شهادتم و دعا کنید من شهید شوم".

نکته سوم که امام، در اثبات وجه "الهی" و اعجاز انگیز "انقلاب، مورد تأکید قرار می دهد، رعب و هراسی است که در دل شاه و حامیان قدرتمند شرقی و غربی وی افتاد و سبب شد (به تعبیر مرحوم حضرت امام) از مقابله جدی با نهضت منصرف شوند و از واکنش ها و اقدامات تند و خشن برابر انقلاب و انقلابیان خودداری کنند.

امام خمینی، در سخنرانی های خویش مطلبی را (عبارات گوناگون و مضمون و استدلال واحد) مکرر مطرح، و بر آن تأکید کرده است، و آن، این که انقلاب اسلامی، رویدادی اعجاز انگیز و فراتر از محدوده تنگ امور مادی بوده، و دست غیبی الهی به وسیله امام عصر عجل الله فرجه در ایجاد و گسترش آن دخالت دارد. آن بزرگوار، پیروزی انقلاب اسلامی را "اعجاز بزرگ قرآن" و "ماده بزرگ آسمانی"، "نصرت اعجاز آمیز اسلام بر کفر"، و "تحفه خدا از عالم بالا" به مردم ایران می خواند و برای اثبات آن، بر چند واقعیت ملموس و عینی انگشت می نهاد که می توان آنها را به این گونه، دسته بندی کرد:

نخستین نکته ای که امام راحل بر آن تأکید می کند، اتفاق و یکپارچگی عجیب مردم ایران در سراسر کشور و بروز حس تعاون در آنها برای مبارزه با رژیم پهلوی، تمنای حکومت اسلامی، و خدمت خالصانه به هموطنان است.

به گفته امام، پیش از آن، هر گروه و طبقه ای، ساز خود را میزد و راه خود را می رفت. دلها از هم دور بود و طبقات مختلف، از هم بیگانه، بلکه بدبین بودند؛ دانشگاهیان و روحانیان،؛ همدیگر را قبول نداشتند. در سالهای ۵۶ و ۵۷ ناگهان دلها و زبانها یکی شد و طبقات و اقشار مختلف کشور - دانشگاهی و روحانی، باسواد و بی سواد، شهری و روستایی، صنعتگر و کشاورز و پزشک و مهندس، نظامی و غیرنظامی، زن و مرد، پیر و جوان و حتی کودکان خردسال - یکباره روی شعار "مرگ بر شاه" و "نابود باد رژیم پهلوی" وحدت یافتند و یکدل و یکزبان، خواستار سقوط رژیم شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی شدند.

امام راحل در تبیین مسأله، نمونه های جالبی از این اتفاق و اتحاد ملی را (به نقل از کسانی که در کوران انقلاب، در ایران می زیستند و گاهی مشهودات مستقیم خویش) نقل می کند. فرمود:

من در یاریس که بودم و می شنیدم که تمام مردم بلاد - از آن اقصا بلاد تا مرکز، از دهات کوچک تا شهرستان های بزرگ - همه با هم متحد شدند و یک کلمه می گویند و آن اینکه "سلسله پهلوی، نه و جمهوری اسلامی، آری" من آنجا این طور فهمیدم که این دست، دست غیب است. انسان نمی تواند این وحدت را تحصیل کند. انسانها شعاع فعالیتشان محدود است. ممکن است یک شهر را، یا یک استان را... به وحدت کلمه برساند. ممکن است یک گروه از مردم را وحدت کلمه در آنها ایجاد کند؛ لکن یک کشور سی و چند میلیونی - با اختلاف گروه ها، با اختلاف آمال و آرزوها، با اختلاف فهم و شعور آنها - همه با هم مجتمع شدند و همه با هم دست به هم دادند و یک مطلب را خواستند. این نیست، الا اینکه دست غیبی در کار است؛ خدای تبارک و تعالی به وسیله امام زمان عجل الله فرجه.

نکته دیگر، تحول روحی عجیب در مردم ایران از حالت "ترس و هراس"، به "شجاعت" "تهور" برابر رژیم پهلوی و ساواک جهنمی و نیز حامیان قدرتمند خارجی او (آمریکا، انگلیس، شوروی...) بود.

پیروزی ملت با دست کاملاً خالی و در جنگی به شدت نابرابر با رژیم پهلوی (که از حمایت قدرتهای جهانخوار آمریکا، انگلستان، روسیه و... حتی رؤسای کشورهای اسلامی، مانند صدام برخوردار بود) از دیگر عجایبی بود که در انقلاب رخ داد و از محاسبات معمول مادی و سیاسی فراتر بود. حضرت امام می‌فرماید:

یکی از بزرگ‌ترین همراهی‌های خدای تبارک و تعالی با ملت ما، این بود که اینها را از مقابله جدی منصرف کرد. اگر اینها میخواستند که مثلاً مثل حالای افغانستان [اشاره به دوران اشغال خونین افغانستان توسط ارتش سرخ] رفتار کنند، خوب خیلی زیاد ماضی‌بعه داشتیم.

چهارمین نکته‌ای که امام بر آن تأکید می‌کند، آن است که، در ایام انقلاب، تصمیم‌هایی از سوی آن بزرگوار (به عنوان رهبر نهضت) گرفته شده و به وسیله ملت اجرا شد، که ضرورت و فوریت آنها، در زمان تصمیم‌گیری، معلوم نبود و مدت‌ها پس از زمان عمل و اقدام، مشخص شد. به گفته آن رهبر فقیه: "یک سری کارهایی ما می‌کردیم که آن زمان مانمی فهمیدیم چه می‌کنیم؛ بعد می‌دیدیم که کار درست و کارستان، همین بوده که انجام داده‌ایم". از این امور، هجرت امام به پاریس بود که از سر ناچاری و پس از بستن مرزهای کویت به روی وی صورت گرفت. امام در آغاز فقط به هجرت به کشورهای اسلامی (مانند کویت و سوریه) می‌اندیشید.

آمدن امام از پاریس به تهران - در میانه انواع خطرها، دسیسه‌ها و حتی مخالفت دوستان صلاح اندیش - نیز، از همین اقدام‌ها بود؛ چون بسیار راحت می‌توانستند هواپیمای امام را بین راه منفجر کنند و در این صورت، معلوم نبود کدام دادگاه بین‌المللی بتواند این ماجرا را بی‌گیری کند. امام راحل، همه این امور چهارگانه را بیانگر دخالت دست غیبی الهی می‌داند.

بعد از آن همه ترس و وحشی که همه مان داشتیم، چه شد که یک‌دفعه متحول شدیم به یک روحیه شجاع؟ او کی بود که بازاری و کاسب - که دنبال... منافع خودش هست... ایثار کرد و یک ماه، بازار را گاهی در بعضی شهرستانها می‌بستند و هیچ فکر این نبودند که به ما، به این، ضرر خورده است؟ آن کی بود که این معجزه‌ها را کرد؟ غیر از خدا کس دیگری قدرت دارد؟! گاهی وقتها وقتی انقلاب، به یک مقدار پیروزی رسید، دیگر رها می‌کنند؛ آن کیست که ما را باز نگهداشته است به یک حالی که باز همه فریاد می‌زنند و "جمهوری اسلامی" را می‌خواهند؟ امدادهای غیبی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه دارد.

### پیروزی انقلاب، کار خدا بود که به وسیله امام عصر عجل الله تعالی فرجه انجام گرفت

در تبیین رویدادهای شگفت انقلاب، امام راحل، خود را عامل پیدایش این تحول و پیروزی شگرف ندانسته و آن را تنها کار خدای شمارد:

ملتی با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح، بر ابرقدرتها و بر قدرت شیطان‌ای که تا دندان مسلح بودند، غلبه کرد؛ لکن این، من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد، این خدای تبارک و تعالی بود. طبعاً وقتی رهبر کبیر انقلاب، در این کار نقش اساسی نداشته باشد، کسان دیگر (از سران نهضت یا افراد مردم) به طریق اولی، در این کار نقش اساسی نداشته‌اند؛ این پیروزی، ارتباط به من نداشت. من یک طلبه هستم و نباید این را به من متصل کنید. پیروزی، ارتباط به ملت هم نداشت، این پیروزی، مربوط به خدا بود. امام خمینی (از آنچه گفته شد، یک گام بلند فراتر رفته و اعلام می‌کند: این تحول و پیروزی، کار خدا بود که به وسیله امام عصر عجل الله تعالی فرجه انجام گرفت. همچنین می‌فرماید:

شما می‌دانید که این پیروزی به دست آمده است؛ لکن این، من نبودم که این پیروزی را به دست آوردم به واسطه من. این خدای تبارک و تعالی، در سایه امام زمان عجل الله تعالی فرجه ما را پیروز کرد....

آثار امید به فرج در آینده نزدیک را (به خلاف اختناق سخت حاکم بر کشور) در برخی نوشته‌های امام یادر سال‌های ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷ می‌بینیم. برای نمونه می‌توان از نامه‌های امام به مرحوم شهید آیت الله سعیدی و دیگران یاد کرد.

### یقین امام به درستی راه و پیروزی خود در پاریس

با همین نگاه و نگرش بود که رهبر فقید انقلاب، ماه‌های پیش از بهمن ۵۷ اطمینانی عجیب به پیروزی جنبش و سرنگونی رژیم داشت و به این و آن می‌گفت: "شاه رفتنی است. به فکر روزها و اقتضانات پس از پیروزی باشید" و این در حالی است که هنوز هیبت و هیمنه رژیم، شکسته نشده بود و کسانی مانند مهندس بازرگان، به مبارزه گام به گام با حکومت پهلوی و تسخیر کرسی‌های مجلس شورای اندیشیدند.

می‌دانیم که مرحوم امام، در ۱۴ مهر ۵۷ از نجف به پاریس آمد و آنجا افراد زیادی (از جمله استاد مطهری، مهندس بازرگان و...) با وی ملاقات کردند. می‌دانیم که آن ایام، هنوز قدرت جهنمی شاه برپا بود و آثار فروپاشی رژیم ظاهر نشده بود. در نتیجه، چشم انداز روشنی پیش روی انقلاب و انقلابیان نبود. با این اوصاف، ملاقات کنندگان همگی اظهار می‌کنند: در آن شرایط سخت، یک اطمینان و اعتماد عجیبی در چهره امام نسبت به پیروزی قاطع انقلاب بر رژیم موج می‌زد که حیرت‌انگیز بود.

# خداوند بخوابد



با اسکن کد بالا می‌توانید متن کامل این مقاله را دریافت نمایید.

## سخن آخر:

### کاری نکنیم که عنایت ولی عصر عجل الله فرجه از ما و انقلاب برگردد

علت مبغیه و عامل دوام و پیشرفت هر چیز همان علت محدثه و عامل ایجاد آن است. باید دید چه عواملی باعث پیدایش انقلاب، و عطف توجه و عنایت الهی به آن شد، تا همان عوامل را با قوت و صلابت حفظ کرد. این قدرت الهی را از دست ندهید، این امانت الهی را حفظ کنید. همانطوری که آن وقت به فکر گرفتاری های خودتان نبودید و فکر، یک فکر بود و آن اسلام و این، رمز پیروزی شد. کاری نکنید که عنایت خدا کم بشود. کاری نکنید که برای ولی عصر عجل الله فرجه ایجاد نگرانی بکنید. تفرقه نداشته باشید.

**شکر گزاری** به درگاه خدای متعال برای این نعمت بزرگ، با حفظ عوامل پیدایش و ملزومات آن صورت می‌گیرد:

مواظبت بر تحول روحی و ایمانی ایجاد شده،

عدم گرایش به مادیات و تقویت روح توجه به خداوند،

حفظ وحدت کلمه در مسیر اهداف اصیل انقلاب و طرد شیاطین تفرقه افکن از صفوف ملت،

همدلی و فداکاری، پیش انداختن منافع و مصالح اسلامی و ملی، بر منافع و مسائل مادی و شخصی،

حفظ آبروی اسلام و جلوگیری از خدشه دار شدن آن، در اثر سرپیچی از موازین شرع و قانون،

ثبات قدم در پیشبرد احکام اسلام و کوشش برای جلب رضای الهی و خوشنودی امام عصر عجل الله فرجه (از راه عمل به تکالیف دینی، پاکدلی و پاک زیستی)

از دیدگاه امام راحل، نکات فوق، مهم‌ترین وظایفی است که اهل انقلاب، بر دوش دارند. به اعتقاد وی، همچنین باید از رمز بقای اسلام و پیروزی ملت (وحدت کلمه، ایمان و خدمت مخلصانه به اسلام) غافل نشد و ضمن حفظ سنگر مساجد، برگزاری مراسم سوگواری امام حسین عجل الله فرجه و دعا برای

**فرج حضرت ولی عصر عجل الله فرجه**، بر اعمال و رفتار روزمره خویش مواظبت کرد که مایه نارضایتی و شرمندگی آن حضرت نباشد:

نهیضت شما، پیش دنیا یک معجزه است. این نهیضت را با همین بعد اعجازی اش حفظ کنید و با اتکال به خدا و وحدت کلمه پیش بروید. امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و متصل بشود این نهیضت بزرگ اسلامی و آن نهیضت ولی عصر عجل الله فرجه.

رهبر همه شما و همه ما، وجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار - که رضایت خدا است به دست بیاوریم.

به حسب روایت، نامه اعمال ما هفته ای دو بار پیش امام زمان عجل الله فرجه می‌رود؛ و لکن می‌ترسم ما که ادعا داریم تابع این بزرگوار هستیم - نعوذ بالله - پیش خدا شرمنده شود. اگر فرزند شما خلاف بکند، شما شرمنده می‌شوید. در جامعه شرمنده می‌شوید که پسرتان کار خلافی کرده. من خوف دارم که کاری بکنیم. که امام زمان عجل الله فرجه، پیش خدا شرمنده بشود. ذره‌هایی که بر قلب های شما می‌گذرد، رقیب [=مراقب] دارد. چشم و گوش و زبان و قلب و همه چیز ما رقیب دارد. خدا نکند از من و شما و سایر دوستان امام زمان عجل الله فرجه، یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان عجل الله فرجه باشد. از خودتان پاسداری کنید، اگر می‌خواهید پاسداری شما در دفتر پاسداران صدر اسلام ثبت شود.

کوشش شما این باشد که ما بتوانیم اسلام را - آن طور که هست - در این مملکت پیاده کنیم. راه طولانی است؛ قوی باشید، اراده قوی داشته باشید.

ان شاء الله که این چهره های نورانی، ذخیره باشد و این زمان ما به زمان ظهور مهدی عجل الله فرجه متصل شود.

# رویکردی جدید به آموزه مهدویت

حجت الاسلام امیر محسن عرفان



## بازتعریف مکتب انتظار در فرهنگ سیاسی

### تشیع

می توان بر این باور پای فشرد که همه ارکان لازم برای آفرینش يك تحول اجتماعی حقیقی، همه جانبه و کامیاب در انتظار موعود عجله تعالی تعبیه شده است.

اساساً نمی توان ویژگی تحول گرایی اجتماعی و انقلاب زایی را از انتظار سلب کرد. این ویژگی ممتاز مهدویت شیعی از آن جا ناشی می شود که موعود مورد اعتقاد و انتظار شیعه، حاضر است و غیبت او فقط به معنای عدم ظهور است. تشیع، تنها مذهبی است که منجی و موعودش زنده و عینی است و مانند دیگر مکاتب و ادیان به آینده نامعلوم واگذار نشده است.

سوشیانت، منجی آیین زردشتی، در آخرالزمان متولد می شود و مسیحا که عهدین، آن را نجات بخش پایانی می داند در آخرالزمان ظهوری مجدد دارد. در هیچ يك از آیین ها منجی، وجودی عینی و زنده ندارد به همین دلیل، انتظار به معنای واقعی در تشیع متحقق است. با پیروزی انقلاب اسلامی، واژه انتظار که سال ها با سکوت و سکون، تحمل ظلم و در يك کلمه، در جازدن به امید برآمدن دستی از غیب مرادف شمرده می شد، مفهومی دیگر یافت. این بار، «انتظار» نه در جایگاه عاملی برای خاموش کردن روح سرکش اجتماع، بلکه به مثابه ابزاری برای دگرگون کردن وضع موجود و حرکت به سوی آینده موعود به کار گرفته شد.

انقلاب اسلامی در چرخشی مبنایی و تحولی دوران ساز، طرح رویکردی جدید از آموزه مهدویت را سبب شد، برای تبیین این موضوع به آموزه مهدویت پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران نگاهی می اندازیم.

## الف. اندیشه مهدویت پیش از انقلاب اسلامی

دوره حضور امامان علیهم السلام که حدود دویست و پنجاه سال به طول انجامید، در شکل گیری اندیشه مهدویت بیشترین تأثیر را به خود اختصاص داده است. لکن رویکرد به آموزه مهدویت در دوران غیبت کبرا با کاستی هایی همراه بود از جمله:

**یک.** تا پیش از انقلاب اسلامی، برداشت منفعلانه و انزواگرایانه از مفهوم انتظار، یکی از عوامل رکود و انفعال بود. انتظار منفی و تعطیلی حکومت مشروع، مدتی طولانی، بر اندیشه اندیشور شیعه چیره گشته بود.

**دو.** در این دوران اندیشه مهدویت در جایگاه يك گزاره دینی بحث و بررسی می شد؛ بدین معنا که رویکرد غالب اندیشوران، معطوف به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه و دیگر مسائل مهدوی به صورت موردی و جزئی بود.

**سه.** نگاه سطحی و عاطفی به آموزه مهدویت، رویکرد غالب در این دوران است.

## ب. انقلاب اسلامی ایران و تغییر نگرش به آموزه مهدویت

### تحول روش شناختی در رویکرد به آموزه مهدویت

از مهم ترین آموزه های دین مبین اسلام که در واقع جلوه گیری غایت مندی تاریخ است؛ نظریه جامع و کامل «نجات گرایانه» آن، یعنی آموزه مهدویت است. مهم ترین تفاوت اندیشه مهدویت در دوره کنونی، در مقایسه با پیش از انقلاب اسلامی، به رویکرد به این آموزه برمی گردد. مهم ترین ضلع این تمایز روشی، رویکرد فعالانه و راهبردی و هویت ساز به این آموزه است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمان های مهدوی سبب شد چارچوب های نظری و سنتی و رهیافت توصیفی و گزارش گونه از آموزه مهدویت کمرنگ شود. تلاش برای رسیدن به جامعه منتظر پیش از ظهور، توجه به نقش و جایگاه امام معصوم علیه السلام در عصر غیبت کبرا، حاکمیت جهانی اسلام به رهبری امام معصوم علیه السلام و... از عناصر و مؤلفه های چنین رویکردی است. انقلاب اسلامی با تمسک به این آموزه، برای همگان هویتی مهدوی پدید آورد؛ آموزه مهدویت نه تنها «هویت مهدوی» می سازد، بلکه رفتارها، کنش ها و هنجارهای جدیدی را پدید می آورد.

در نتیجه این «هویت سازی» و «هنجار آفرینی» است که نهضت های بزرگی برای مبارزه با جهل و نادانی پدید می آید. در این رهگذر، جامعه بشری، افق آتی خویش را جامعه موعود خواهد دید؛ جامعه ای که در سایه زمامداری امام عصر علیه السلام تمام آرمان های متعالی اش به منصف ظهور خواهد رسید.

انقلاب اسلامی تنها الگوی عملی برداشت صحیح از انتظار در عصر حاضر است که آثار و نتایج شگفتی چون قیام ضد بی عدالتی‌ها، تلاش برای پیشرفت و تکامل، مبارزه جویبی با ظالمان و عدم همراهی با حاکمان نامشروع را به دنبال داشته است. امام خمینی (ره) انتظار ظهور حجت را استمرار اقتدار اسلام، تبیین می‌کند و می‌فرماید:

«ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم، تحقق پیدا کند (امام خمینی، ۱۳۸۰: ج ۱۸، ص ۳۷۴)

با پیروزی انقلاب اسلامی، روح درهم شکسته و خسته شیعیان در مناطق مختلف جهان، زنده شد و روحیه امید در کالبد آنان دمیده گشت. پس از انقلاب، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس شیعیان تقویت شد و آنان جرأت و شجاعت خود را باز یافتند. پیروزی انقلاب اسلامی به آنان آموخت که نباید برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به انتظار نشست؛ بلکه باید به انتظار ایستاد. به این ترتیب، انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در احیای مکتب انتظار بوده و تشیع و اسلام را در قلب حوادث و اخبار جهانی قرار داد.

### زمینه‌سازی ظهور، چشم انداز تشکیل حکومت در روزگار غیبت

نهضت عاشورا در جایگاه منبع تغذیه و تأمین محتوای هویت تأسیسی و تداومی انقلاب اسلامی و زمینه‌سازی و تشکیل جامعه منتظر پیش از ظهور، شکل دهنده و منبع هویت غایی انقلاب اسلامی برگزیده شده است، از دیدگاه امام خمینی ره پدیده ظهور، یک رخداد فوق العاده و بی نظیر تاریخ بشریت به شمار می‌رود؛ ولی هرگز یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری در این عالم نیست؛ بلکه رخداد ظهور، برای برپایی نظام عدل و تحقق حاکمیت همه جانبه دین اسلام و برای سامان دادن به اوضاع زندگی بشری است. بدیهی است چنین رخدادی همانند دیگر رخدادهای طبیعی، مقدمات و بستری خاص خود را می‌طلبد که بدون آن، تحقق چنین تحول عظیمی، امری ناممکن و انتظاری نامعقول است. تحولات جاری در عرصه بین الملل و رویکرد دینی و معنوی بشر معاصر و امواج وسیع اسلام‌خواهی و بیداری اسلامی در جهان. به ویژه دنیای غرب. مؤید این واقعیت است که امام خمینی ره با هدایت و رهبری بزرگ‌ترین انقلاب مردمی، در واقع، آغازگر کوشش در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بود. ایشان صدور انقلاب را برای هموار کردن راه ظهور منجی و مصلح کل جهان، و وظیفه خویش دانسته، در پیامی می‌نویسد:

«ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی ص است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدایاراه را برای ظهور منجی مصلح و کل و امامت مطلق حق، امام زمان. ارواحنا فداه. هموار می‌کنیم (امام خمینی ره، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ص ۳۴۵)



التَّيْمُنَةُ  
رَجْعِي فِج...



# پشتوانه‌ی اسلامی و مهدوی انقلاب اسلامی ایران در بیان دیگران

حجت الاسلام محمد شهبازیان

«جیمز بیل» متفکر و محقق آمریکایی، در فصلنامه مسائل خارجی. نشریه وزارت خارجه آمریکا. امواج پویای انقلاب اسلامی ایران را چنین توصیف می‌کند: «موجی که از شناخت و بیداری، توده‌های جهان اسلام را فرا گرفته است، از یوگسلاوی و مراکش در غرب تا اندونزی و مالزی در شرق تداوم دارد. این موج، مولود انقلاب اسلامی ایران است.»

(ایران و آمریکا، ص ۳۳۳)

این گستردگی نهضت اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران به حدی روشن می‌باشد که حتی آباابن (AbbaEban)، سیاستمدار و اندیشمند مشهور اسرائیلی در نشریه «تایمز لندن» زبان به اعتراف می‌گشاید و می‌گوید: «انقلاب اسلامی و پیام‌های آن، کوتاه‌اندیشی نیست. کسانی که چشمان خود را به روی واقعیت‌ها بسته‌اند و حقایق را نادیده می‌گیرند، باید بدانند که انقلاب اسلامی، فصل جدیدی در تاریخ اندیشه‌هاست. من احساس می‌کنم که این اندیشه‌ها به‌ویژه در خاورمیانه شیوع یافته‌اند.» (همان، ص ۳۱۹) ایدئولوژی ضداستعماری و دین‌مدار نهضت امام خمینی (ره) باعث گردیده تا بلوک شرق و غرب، برای اولین بار در جنگ سرد، موضعی واحد اما خصمانه نسبت به انقلاب ایران اتخاذ کرده و آن را در قالب جنگ نظامی، تحریم‌ها و نبرد فرهنگی پیگیری نمایند.

انقلاب اسلامی ایران، زمانی به پیروزی رسید که نیمی از جمعیت جهان، تحت سیطره جهان بینی حکومت‌های کمونیستی اداره می‌شد و نیم دیگر، تحت حاکمیت جهان بینی‌های امانیستی و سکولاریستی غربی قرار داشتند.

این انقلاب در دورانی به ثمر نشست که نگرش‌های دین‌ستیزانه و دین‌گریزانه، بخش اعظم کره زمین را فرا گرفته و انقلاب اسلامی ایران، قیام علیه این فرایند بود، به عبارتی می‌توان انقلاب اسلامی ایران را قیام دین و دین‌مداران علیه لامذهبی و ظلم و ستم بلوک شرق و غرب، قلمداد کرد.

آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور در مورد نقش شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌گوید:

«در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و وبر با کم و بیش اختلافاتی فرآیند عمومی جهانی را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دهه هشتاد و با انقلاب اسلامی ایران شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم، یعنی فرآیند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود.» (جامعه‌شناسی، ص ۷۵) بر اساس دیدگاه کسانی که دارای بینش الهی هستند و نقش ویژه‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند، تلاش تمام انبیاء، اوصیاء و مجاهدان الهی، در طول هزاران سال، برای برقراری حکومت الهی و حاکمیت قانون عدل الهی در روی زمین، به وسیله این انقلاب به نتیجه رسید و همین امر، منشأ عظمت این انقلاب شد.

(انقلاب اسلامی جهشی در تحولات سیاسی تاریخ، ص ۲۰)

اندیشمندان جهان اسلام و متفکران غربی در مورد ماهیت انقلاب اسلامی چنین می‌گویند:

«ایران نخستین انقلاب سیاسی، اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد. انقلابی که با نام «اسلامی» و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نهادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت استوار بود.»

(انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۴۹)

«برنارد لوئیس» که از اندیشمندان یهودی در آمریکا بوده و تأثیر اندیشه‌های او بر جامعه علمی آمریکا غیر قابل انکار می‌باشد، شاخصه انقلاب ایران را دینی بودن دانسته و تحولات ایران را ایدئولوژیکی بیان می‌کند. او می‌گوید: «در سال ۱۳۵۷، تحولاتی در ایران آغاز شد که تغییرات عمده‌ای را نه تنها در ساختار حکومت، بلکه در تمامی نهادهای اجتماعی آن کشور ایجاد نمود. پیامدهای انقلاب ایران، مرزهای کشور را درنوردید و به خارج از مرزهای ایران رسید. انقلاب‌ها خود را به شکل‌های مختلفی نشان می‌دهند. انقلاب ایران خود را در تعابیر اسلامی مطرح می‌کند. یعنی به عنوان نهضتی دینی، تحت رهبری دینی، عمل می‌نماید. نظم گذشته را با ادبیات دینی نقد می‌کند و طرح‌هایی را برای آینده و ایجاد نظم جدید ارائه می‌دهد.» (زبان سیاسی اسلام، ص ۲۵)



هنری کسینجر. وزیر اسبق امور خارجه آمریکا: پیروزی ایران در جنگ، عقاید رادیکال اسلامی را، از جنوب شرقی آسیا، تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد داد.

**شیمون پرز، نخست وزیر سابق اسرائیل:** انقلاب ایران، يك انقلاب بسیار افراطی و خصمانه در قبال اسرائیل است. تجربه آیت الله خمینی برای ما يك تجربه بسیار تلخ در قرن بیستم به شمار می رود. (انقلاب اسلامی در گستره نظام بین الملل، صص ۱۳-۲۳)

**موشه دایان، وزیر خارجه وقت اسرائیل:** حکومت جدید اسلامی، استراتژی واشنگتن را که به ایران به دیده يك رابط عمده در زنجیره ممالک طرفدار غرب می نگریست، گسسته است. (حضرت امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص ۲۷۹)

**فیدل کاسترو، رهبر سابق انقلاب کوبا:** آن چه در ایران رخ داده است، يك انقلاب واقعی و مردمی بود. این انقلاب دارای نیروی عظیمی نیز هست و لازم است که ما همبستگی و حمایت خود را از آن اعلام کنیم.

**حبیب شملی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی:** انقلاب ایران به همه نشان داد که اسلام چقدر قدرتمند است و این که ایمان می تواند به مسلمین کمک کند تا به حکومت دلخواه خود برسند. ما می خواهیم جامعه جدیدی بر مبنای اصول اسلامی بسازیم و امیدواریم انقلاب اسلامی ایران مدل و الگوی ماقرار گیرد.

«هسته اصلی برداشت های ایالات متحده از اسلام، هراس، حیرت و نگرانی عمیق درباره آمیزش دین و سیاست است. چنین به نظر می رسد که آمیزه ای از این دو برداشت، جنبه های اساسی سیاست لیبرال ایالت متحده را به چالش فرامی خواند.» (آمریکا و اسلام سیاسی، ص ۲۸)

استقرار نظام دینی در ایران باعث گردید تا تمام معادلات غرب، جهت سلطه بر منابع عظیم خاورمیانه به هم بریزد. انقلاب اسلامی در ایران و از دست دادن يك هم پیمان مهم در منطقه [شاه]، دولت کارت را بهت زده کرد و سقوط شاه، بنا به گفته «برژینسکی» مشاور امنیت ملی کارتر، به لحاظ راهبردی برای ایالات متحده و به لحاظ سیاسی برای شخص کارتر، فاجعه آمیز بود. (همان ص ۱۲۱) «نظریه پردازان غربی معتقدند که آرام ساختن طوفان اسلام، تنها در سایه استحاله جمهوری اسلامی ایران یا شکست انقلاب اسلامی میسر است»؛ جهانی سازی انقلاب اسلامی، ص ۲۵۱) از این روی، در طول سه دهه ای که از گسترش نهضت های اسلامی می گذرد، صدها جلد کتاب و هزاران جزوه و مقاله درباره انقلاب اسلامی، اسلام گرایی و دنیای اسلام در اروپا و آمریکا منتشر شده است؛ که اکثر قریب به اتفاق آنها به انتقاد و بدگویی از جنبش های اسلامی، سرکوبی رهبران این نهضت ها و تحقیر قشرهای امت اسلامی. که جان و مال خود را فدای اهداف خود کرده اند، پرداخته است.

جالب است بدانیم که علی رغم تلاش دشمن و غرب سلطه جو، امروز به یاری امام عصره معادلات جهانی به نفع جمهوری اسلامی ایران رقم خورده و بنا بر اعتراف نشریه «لس آنجلس تایمز» خشم اعراب از آمریکا و اسرائیل باعث چرخش افکار عمومی، به نفع ایران در برابر آمریکا شده است. (کیهان، ص ۵، ۷/۶/۸۹، ش ۱۹۷۲۹)، «لس آنجلس تایمز» در تأیید مطلب خود به نظر سنجی «دانشگاه مریلند» و «مؤسسه زاگی» اشاره کرده و می گوید: «بدبختانه ایران، ابرقدرت افکار عمومی جهان است». در اینجا بی مناسبت نیست که علاوه بر مطالب فوق به گفته های اندیشمندان و سیاستمداران جهان در مواجهه با انقلاب اسلامی ایران اشاره کنیم:

#### اسقف کاپوچی، از علمای مسیحی فلسطین:

انقلاب ایران يك انقلاب بی نظیر است. پیروزی ایران بر بزرگترین قدرت های جهان به خاطر ایمان نیرومند مردم به خدا و رهبری امام خمینی علیه السلام هبود. ما عرب ها باید از انقلاب اسلامی عبرت بگیریم.

#### مولانا بشیر الرحمن، از رهبران مسلمانان اهل سنت پاکستان:

هر روز که از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می گذرد، مردم پاکستان علاقه بیشتری به آن پیدا کرده و شیفته این انقلاب می شوند. ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام جهت زنده کردن اسلام و پیاده نمودن احکام اسلام و رها شدن از یوغ آمریکا انقلاب کرده است. ما امام خمینی علیه السلام رهبر انقلاب اسلامی ایران را دعا می کنیم، چون ایشان راهی را به مسلمین جهان نشان داد تا آن را پیموده و به هدف خود که نجات یافتن از زیر یوغ ابرقدرت هاست، برسند.

#### سید محمد حسین فضل الله، رهبر سابق شیعیان لبنان:

انقلاب اسلامی ایران صادق بوده و پیروزی آن خط جدیدی در حرکت سیاسی منطقه به وجود آورده است. این انقلاب به تمام مسلمانان و به تمام مستضعفین در سراسر دنیا تعلق دارد.

#### مارگارت تاچر، نخست وزیر سابق انگلیس:

ما غربی ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل جنگی و ابزار نظامی شوروی و اقمارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویران گر مسلح باشند، مانیز به سلاح های مدرن مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می ترسیم

#### برونو کراسیک، صدراعظم سابق اتریش:

من از شخصیت های مذهبی و دینی نیستم. ولی می توانم این مسأله را بگویم که انقلابی که در ایران رخ داده است، موجب علاقه بیشتر به اسلام در خارج از جهان اسلام شده است و روشنفکران دنیا به دلیل علاقه ای که به اسلام پیدا کرده اند، توجه خود را به انقلاب اسلامی معطوف داشته اند می توان گفت این انقلاب در خارج از جهان اسلام، نفوذ فراوانی کرده است.





ابراهیم شفیعی سروستانی

## زمینه سازی برای ظهور یک تکلیف شرعی

سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی فرصت مناسبی برای بازخوانی یکی از مبانی مهم اعتقادی این انقلاب؛ یعنی تلاش برای زمینه سازی ظهور امام مهدی (عج) به عنوان وظیفه و تکلیف شرعی در دوران غیبت است. با بزرگداشت یاد و نام امام خمینی (ره) و همه شهیدانی که به شوق یاری امام زمان (عج) رهرو راه آن امام شدند، به بررسی اجمالی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور و برخی از مهم ترین مبانی آن می پردازیم. امام خمینی (ره) و برخی اندیشمندان معتقدند که زمینه سازی برای ظهور و فراهم آوردن شرایط تشکیل حکومت جهانی منجی موعود از وظایف انکارناپذیر منتظران است و مردم می توانند با اعمال شایسته خود ظهور امام مهدی (عج) را نزدیک تر کنند.

### حکومت جهانی اسلام، هدف اصلی انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی (ره) در سراسر دوران مبارزه هرگز هدف خود را در از بین بردن استبداد داخلی و مبارزه با استعمار خارجی در کشور ایران محدود نکرده بود. ایشان در پی گسترش حاکمیت اسلام در سراسر جهان و کوتاه کردن دست ابرقدرت ها از همه کشورهای اسلامی بود، ایشان می فرماید:

«... جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امید بخش آتیه ای روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک تر می نماید. گویی جهان مهیا می شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمل محرومان و حکومت مستضعفان از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود و می رفت تا عریبه شوم (اناریکم الاعلی) از حلقوم فرعون زمان طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایه حکم رانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج دو هزار و پانصد ساله فرعون گونه ستم شاهی به دست توانای زاغه نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراج گری ها و حکم فرمایی های

برای روشن تر شدن دیدگاه امام خمینی (ره) در این باره، به گزیده ای از رهنمودهای ایشان در سه بخش اشاره می کنیم. در بخش اول، دیدگاه امام راحل (ره) را در زمینه وظایف منتظران در عصر غیبت و تکلیف آنها در زمینه فراهم کردن شرایط ظهور، در بخش دوم، دیدگاه ایشان را درباره نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی ظهور امام مهدی (عج) و در بخش سوم دیدگاه آن رهبر فرزانه را در زمینه ضرورت تشکیل حکومت جهانی اسلام به عنوان یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی بررسی می کنیم و سپس مبانی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور را از نظر خواهیم گذراند.

### «»»» بخش اول

#### وظایف منتظران در عصر غیبت

امام خمینی (ره): همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود. (صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵)

ایشان در یکی دیگر از سخنان خود با نقد دیدگاه های موجود درباره انتظار، دیدگاه خود در این زمینه را این گونه بیان می کند: «البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم. اگر می توانستیم، می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم، ایشان باید بیایند. الان عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم، عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم، اما نمی توانیم بکنیم چون نمی توانیم، باید او بیاید تا بکند، ولی باید فراهم کنیم کار را فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت. (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

#### نقش انقلاب اسلامی در زمینه سازی برای ظهور امام مهدی (عج)

امام خمینی (ره) می فرماید: «امید است که این انقلاب جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود. (همان، ج ۱۵، ص ۷۵)



شیخ مفید رحمته الله علیه می نویسد: «هر چند تعداد شیعیان در این زمان چندین برابر تعداد اهل بدر است و اگر به تعداد جماعت اهل بدر، اجتماع کنند، دیگر امام نمی تواند تقیه کند و ظهور بر او واجب می شود، ولی در این زمان هنوز این تعداد با ویژگی ها و صفاتی که در اهل بدر وجود داشت، محقق نشده است؛ زیرا لازم است که این جماعت در ویژگی هایی چون شجاعت، صبر بر مرگ، اخلاص در جهاد، ترجیح آخرت بر دنیا، پیراستگی باطنی از عیوب و سلامتی عقلی سرآمد باشند و در هنگام کارزار سستی و درنگ نوززند... و همه شیعیان این ویژگی ها را ندارند. اگر خداوند تعالی می دانست که در میان آنها این تعداد افراد با ویژگی های یادشده وجود دارد، قطعاً امام رحمته الله علیه ظهور می کرد و بعد از اجتماع این افراد به اندازه یک چشم برهم زدن هم غایب نمی شد، ولی روشن است که واقعیت این گونه نیست و از این رو، غیبت بر امام رواست»

(الرساله الثالثه فی الغیبه، ج ۷، صص ۱۱ و ۱۲)

شیطان بزرگ و شیطانک های وابسته و پیوسته به آن درهم پیچیده شد، ایامی محدود بیش نبود، [...] ولی تحولی که کمتر از صد سال بعید به نظر می رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام محدود و ساعات محدود تحقق یافت و جلوه ای از وعده قرآن کریم نورافشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد: (ولیس من الله بمستنکر) که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم، صاحب العصر ارواحنا له الفداء، روشن فرماید و پرچم توحید و عدالتی الهی را در عالم بر فراز کاخ های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. (و ما ذلک علی الله بعزیز)

## ««« بخش دوم مبانی نظریه

ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام مهدی رحمته الله علیه بر مبانی متعددی استوار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

### نیاز همیشگی به حجت

امام محمد باقر رحمته الله علیه در این باره می فرماید:

«به خدا سوگند، خداوند از روزی که آدم رحمته الله علیه قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا، حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی ماند.»

(الکافی، ج ۱، صص ۱۷۸ و ۱۷۹، ح ۸)

حجت های الهی در اعتقاد شیعه والیان امر، راهنمایان به سوی خدا، جایگاه های علم الهی، مفسران وحی، پایه های توحید، مایه های ثبات و پایداری جهان، وسیله های نجات و رستگاری امت، معیارهای تشخیص حق و باطل، بیان کننده حلال و حرام الهی و... می باشند.

### نقش مردم در غیبت و استمرار آن

یکی دیگر از مبانی نظریه لزوم زمینه سازی برای ظهور امام مهدی رحمته الله علیه توجه به نقش مردم در غیبت و استمرار آن است. برای روشن شدن این نقش برخی از اموری را که در روایات از آنها به عنوان فلسفه غیبت یاد شده است، بررسی می کنیم:

#### الف. ستم پیشه بودن انسان ها

در روایتی که از امام علی رحمته الله علیه نقل شده است: «بدانید که زمین از حجت خدا خالی نمی ماند، ولی گاهی خداوند به دلیل ستم و اسراف که آفریدگان بر خودشان روا می دارند، حجتش را از آنها مخفی می دارد.» (کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۱۴۱، ح ۲)

می توان گفت چون میان قابلیت ها و شایستگی های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم رحمته الله علیه و میزان حضور امام در جامعه، ارتباط متقابلی وجود دارد، به هر اندازه که جامعه شایستگی خود را از دست دهد و از ارزش های الهی فاصله بگیرد، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله می گیرد و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ زیرا رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد.

#### ب. نبود یاران وفادار برای امام

امام موسی کاظم رحمته الله علیه خطاب به یکی از یاران خود می فرماید: «ای پسر بگیر! من به تو سخنی را می گویم که پدران من نیز پیش از من آن را بر زبان رانده اند و آن این است که اگر در میان شما به تعداد کسانی که در جنگ بدر [با پیامبر اکرم رحمته الله علیه] بودند، [یاران مخلص] وجود داشت، قیام کننده ما [اهل بیت] ظهور می کرد.» (مشکاه لاتوار، ص ۷۰)

## معرفی کتاب



### نخستین اجلاس ملی مهدویت و انقلاب اسلامی (مصاحبه‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها)

نویسنده و ناشر:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

بخشی از موضوع کتاب:

یکی از مهم‌ترین عوامل انقلاب اسلامی ایران رهبری امام بود، این مرجعیت مورد پذیرش مردم بود، با بررسی اینکه مردم براساس چه معیاری مرجعیت خود را قبول داشتند به یک آموزه مهدوی؛ یعنی رجوع به یک عالم واجد شرایط خواهیم رسید. مهدویت و انقلاب اسلامی دو امر تفکیک‌ناپذیر است، امام راحل در اکثر سخنرانی‌های خود تأکید بر صدور انقلاب را داشتند که منظورشان مبارزه با ظلم در سراسر دنیا بود، زیرا مبارزه با کفر زمینه‌ساز ظهور خواهد بود، امام زمان علیه السلام قرار است همه مردم دنیا را از کفر و ظلم نجات دهد و هدف ایشان فقط مسلمانان نیستند.

در سال ۱۳۹۷ بنیاد مهدویت با همکاری سایر دستگاه‌های کشور اجلاسیه را تحت عنوان «مهدویت و انقلاب اسلامی» برگزار کرد، براساس فراخوان مقالات زیادی به این ارسال شد که در نهایت بهترین سخنرانی‌ها و مقاله‌ها به صورت این کتاب گردآوری شد.

## من المنتظر از چه مردمی تو...؟

### ج. آماده نبودن جوامع بشری

امام عصر علیه السلام در یکی از توقیع‌های خود می‌نویسد: «اگر شیعیان ماکه خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، هم دل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت؛ دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما» (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۷)

بر اساس مطالب یاد شده به صراحت می‌توان برای مردم در پیش افتادن ظهور و تحقق آن نقش قایل شد و گفت حضور مجدد امام معصوم علیه السلام در جامعه مشروط به آن است که انسان‌ها راه صلاح و رستگاری را در پیش گیرند؛ ستمی را که در حق امامان معصوم روا داشته‌اند جبران کنند؛ به وظایف و تکالیفی که در برابر امام عصر علیه السلام دارند، عمل نمایند و با انجام اقدام‌های فرهنگی و اجتماعی زمینه را برای بازگشت امام به صحنه جامعه فراهم سازند.

### وظایف منتظران

یکی از وظایفی که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد علیه السلام است، کسب آمادگی‌های نظامی و فراهم کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری امام غایب است. در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] آماده کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند و از یاران و همراهانش قرار گیرد» (کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۳۳۰، ح ۱۰)

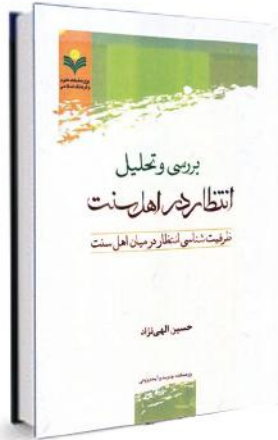
در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیه السلام آماده سازند.

امام خمینی علیه السلام با وسعت دیدی که داشت، (کسب آمادگی برای ظهور) را بسیار فراتر از آنچه گفته شد، مطرح می‌کرد و معتقد بود که باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان که باید، فراهم شود؛ این امر، تکلیفی شرعی است.

## معرفی کتاب

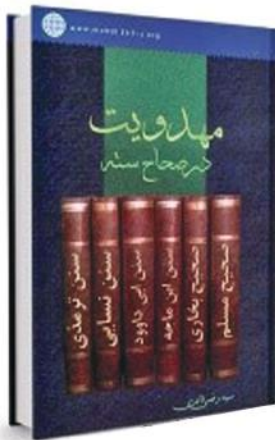
### کتاب بررسی و تحلیل انتظار در اهل سنت

سال چاپ: ۱۳۹۵ / ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی / مؤلف: حسین الهی نژاد  
**بخشی از کتاب:** انتظار، از جمله آموزه های مهم مهدویت و مورد قبول همه گروه های اسلامی-شیعه و اهل سنت می باشد. در میان اهل سنت باور به انتظار، با دو رویکرد «حدیث محور» و «باور محور» مطرح است. رویکرد حدیث محور که متکی به روایات انتظار بوده، به دو «قسم تصریحی» که به صراحت واژه «انتظار» در روایت ذکر شده و به صورت «تلویحی» که به صورت مفهومی انتظار از روایات برداشت شده، تقسیم می شود؛ اما انتظار با رویکرد باورمحور، متکی به اقوال علما و حاصل اعتقادات مردم اهل سنت است. در نگرش حدیث محور به صورت تصریحی، روایات محدودی در منابع اهل سنت نقل شده است؛ ولی نگرش حدیث محور به صورت تلویحی، در منابع حدیثی اهل سنت احادیث فراوانی در خصوص انتظار نقل شده است. با نگرش باورمحور، مقوله انتظار در میان اهل سنت فراگیر بوده و مورد قبول همه باورمندان ایشان می باشد. دستاورد علمی این پژوهش، اثبات و توجیه مقبولیت انتظار به عنوان باور فراگیر، ضروری، اعتقادی و متواتر در میان اهل سنت است.



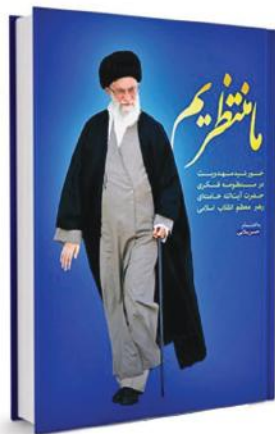
### کتاب مهدویت در صحاح سته

نویسنده: سیدرضی قادری / ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام  
 کتاب حاضر در پی اثبات این ادعا است که در معتبرترین منابع روایی اهل سنت (صحاح سته) در احادیث فراوانی، اصل اعتقاد به حضرت مهدی (عج) و نسب آن بزرگوار حتی بعضی از علایم و شرایط ظهور ایشان، مطرح شده است. نویسنده در بخش اول به مفهوم شناسی پرداخته است. در بخش دوم از روایات مهدوی در مصادر اهل سنت، کتاب های ویژه امام مهدی از اهل سنت، قائلان به صحت احادیث امام مهدی و ادعای تواتر در احادیث امام مهدی، سخن گفته است. در بخش سوم، صحاح سته و مؤلفان آن ها مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است. در بخش چهارم احادیث عام مهدوی در صحاح سته همچون حدیث دوازده خلیفه، حدیث ثقلین و حدیث معرفت مورد توجه قرار گرفته است. در بخش پنجم نیز احادیث نسب امام مهدی علیه السلام، شمایل و سیمای مهدی، شرایط و علائم ظهور، حکومت مهدی علیه السلام و ویژگی های آن مورد بررسی قرار گرفته است.



### مامتنظیم «خورشید مهدویت در منظومه فکری امام خامنه ای (حفظه الله تعالی علیه)»

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / به کوشش: حسن ملایی  
 در مقدمه این کتاب آمده است:  
 با مروری بر جریانات بزرگ تاریخ، این نکته به دست می آید که عقیده به مهدویت تنها یک باور مثبت به آینده جهان محسوب نمی شود بلکه علاوه بر آن، رفتارهایی را نیز با خود به همراه دارد که خروش و قیام انسان ها در مقابل حاکمان ظالم بهترین گواه این مطلب بوده و نمونه بارز آن را در انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام می توان مشاهده کرد به گونه ای که ایشان، هم در انگیزه و هم در هدف، انقلاب اسلامی را در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی تبیین کردند و پس از رحلت جانسوز وی، شاگرد برجسته و خلف صالح ایشان، حضرت امام خامنه ای نیز با همان عقیده مهدوی، سکان انقلاب را هدایت ورهبری می کنند.





## باید تفکر و ایده انقلاب اسلامی به جهان صادر شود

حجت الاسلام والمسلمین دکتر

محمود متوسل آرائی

مدیر عامل بنیاد فرهنگی

حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

تشکر از دوستانی که زحمت می کشند. برای  
اجلاس مهدویت و انقلاب اسلامی و ویژه  
نامه ای را برای این اجلاس آماده کرده اند.

### راه های تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه چیست؟

به بحث مهدویت هم باید به همین شکل پرداخته شود تا این موضوع بتواند خودش را در تاروپود زندگی و فرهنگ جامعه نشان دهد. امروز بحث عاشورا، امام حسین علیه السلام و محرم در تار و پود زندگی مردم به نحو خودجوش تنیده شده؛ یعنی نیازی نیست به مردم گفته شود که تکیه بزنید، برنامه اجرا کنید، روضه بخوانید. خود مردم انجام می دهند. در بحث مهدویت هم باید نهادهای فرهنگی کاری کنند که این امر به صورت خودجوش اتفاق بیافتد.

### جایگاه و نقش بنیاد در تحقق تمدن نوین اسلامی با توجه به بیانیه گام دوم چیست؟

بیانیه گام دوم یک نقشه راهی است برای آینده نظام اسلامی که مقام معظم رهبری بر اساس تجربیات چهل ساله اول انقلاب ترسیم کردند و هر مجموعه ای باید نگاه کند و ببیند به کدام یک از این بخش ها و موضوعات مطروحه در این بیانیه مرتبط هست و می تواند اقدام کند.

یقیناً نقش بنیاد در تحقق تمدن نوین اسلامی در بُعد فرهنگی، فرهنگ سازی و بحث های آموزشی و پژوهشی خواهد بود، البته نه به عنوان

این راهکارها دو جنبه دارند، یک جنبه اثباتی و یک جنبه سلبی. هر کدام از این ها هم دو جنبه دارند. راهکارهای اثباتی، نوع اولش بیان معارف مهدوی است؛ آنچنان که در آیات و روایات آمده به نحوی درست و مستدل و به دور از هر گونه اضافات و پیرایه؛ یعنی آن محتوای نابی که در قرآن و روایات آمده و از محکومات بحث مهدویت است به نحو درست و در قالب متن و گفتار توسط اساتید و بزرگان حوزه و دانشگاه در مکان های مختلف و برای مخاطب های مختلف عرضه بشود.

راهکار اثباتی نوع دوم پاسخگویی به شبهاتی است که در باب مهدویت از قدیم بوده و شبهاتی که نو به نو تولید و در فضای مجازی منتشر میشود و نسل جوان با آنها سر و کار دارد. طبیعتاً باید به اینها به صورت روز به روز و بر اساس رصدی که صورت میگیرد پاسخ داد.

اما دو جنبه سلبی هم در درجه اول معرفی فرقه ها و افکار انحرافی است، خوب یک زمانی بهائیت در این کشور در حال رشد بود، انجمن ضد بهائیت قبل از انقلاب در این باب فعال بود، روحانیت فعال بود، مراجع فعال بودند. به هر حال مهم ترین انحراف در باب مهدویت، بیابیت و بهائیت بود که با آن مبارزه میشد. حالا امروز بهائیت لااقل در کشور ما به آن شکل تبلیغ ندارد، که خیلی پررنگ باشد، اما فرض کنید جریان احمد اسماعیل امروز فعال شده، طبیعتاً مبارزه علمی با فرقه های انحرافی هم یکی از راه هایی است که در جهت تعمیق فرهنگ مهدویت مؤثر است و راهکار دوم سلبی، نفی هرگونه تطبیق در باب مهدویت است. تطبیق اینکه شخصیت هایی که در روایات آمده راجع به آخرالزمان این با فلانی تطبیق میکند و ... این تطبیق ها خود باعث آسیب است؛ چون هیچ کدام تطبیق تام و کاملی نیست و تنها از یک جهت ممکن است تطبیق ها اتفاق بیافتد. و وقتی که مشخص شود آن تطبیق درست نبوده است به اصل مهدویت ضربه می زند.

### رسالت نهادهای فرهنگی در ترویج فرهنگ مهدویت در جامعه چیست؟

همه نهادهای فرهنگی باید به موضوع مهدویت توجه کنند. به دلیل اینکه بحث مهدویت یکی از مهمترین شاخصه های فرهنگ شیعی است همان طور که موضوع عاشورا و کربلا یکی از مهم ترین شاخصه هاست و در طول تاریخ تقریباً همه نهادهای فرهنگی به نحوی به آن پرداخته اند.

یک موسسه عالی آموزشی و پژوهشی مثل دانشگاه یا حوزه، بلکه به عنوان یک موسسه ای که مخاطبش عموم مردم هستند و قاعدتاً کارهای آموزشی و پژوهشی و فرهنگی آن برای مخاطب عام جامعه است. بنیاد برای مخاطب عام باید این راه را تبیین بکند که نظام اسلامی به عنوان زمینه ساز ظهور حضرت باید این آمادگی را داشته باشد، که به نحوه جهانی فکر کند، به نحو جهانی برنامه ریزی کند تا بتواند ان شاء الله مقدمات ظهور حضرت را فراهم نماید.

### بنیاد مهدویت در رابطه با انقلاب اسلامی و مهدویت چه اقداماتی انجام داده است؟

بنیاد در سال ۱۳۹۷ اولین اجلاس انقلاب اسلامی و مهدویت را برگزار کرد؛ با فراخوانی که داده شد و با مقالاتی که عرضه شد و با کتابی که منتشر شد، اولین قدم را در این زمینه برداشت و تلاشش بر این بود که نشان دهد انقلاب اسلامی با نگاه مهدویت برپا شده و اصولاً رهبری انقلاب که امام خمینی علیه السلام بودند، در سخنان مختلف خود به این موضوع اشاره کرده اند که این قیام و انقلاب در مسیر مهدویت و در این جهت اتفاق افتاده، و خب طبیعتاً بعد از انقلاب هم این تفکر مهدویت در قالب ولایت فقیه در کشور تحقق پیدا کرد، با این عنوان که در دوران غیبت امام زمان علیه السلام تفکر مهدوی توسط نائبان عام آن حضرت در جامعه پیاده شود.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه سعی داشته است بین بحث مهدویت و ولایت فقیه یک ارتباطی برقرار کند که طبیعتاً این ارتباط می تواند به تقویت مبانی نظام اسلامی کمک کند و امیدواریم که در دومین اجلاس که قرار است برگزار شود و این ویژه نامه برای این اجلاس در حال آماده شدن هست، ابعاد دیگری از این موضوع تبیین و روشن شود.

### فلسفه ایجاد جریان اجلاس انقلاب اسلامی و مهدویت چیست؟

انقلاب اسلامی امری نیست که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاده باشد و تمام شده باشد و اختصاص به ایران هم ندارد. انقلاب اسلامی در حقیقت یک حرکتی است که از ایران آغاز شده و باید در سطح جهان اتفاق بیافتد تا ظالمان و مستکبران و طواغیت جهان به مرور و یک به یک کنار بروند؛ لذا انقلاب اسلامی یک جریان مستمر است که با انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران آغاز شده و بنابر دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری باید تفکر و ایده این انقلاب به جهان صادر شود، تا مردم جهان، به خصوص مسلمانان جهان با این تفکر آشنا بشوند که نباید ظلم حاکمان طاغوت و سلطه دشمنان به خصوص آمریکا و اسرائیل را بپذیرند. اگر این نگاه در دنیا حاکم باشد طبیعتاً پشتوانه ای می خواهد که این پشتوانه مهدویت است؛ یعنی چشم اندازی برای زمینه سازی برای ظهور حضرت. انقلاب اسلامی باید گسترش پیدا کند تا به تدریج همه کشورهای اسلامی، آمادگی برای ظهور حضرت و آمادگی برای مقابله با طاغوتیان و ظالمان جهان را داشته باشند و همچنین وقتی حضرت ظهور می کنند این شناخت و آمادگی در مردم وجود داشته باشد.

### آیا اندیشه مهدویت ریشه انقلاب اسلامی است؟

بله، رهبر انقلاب اسلامی در ایران، یک مرجع تقلید بود و مرجع تقلید در تفکر شیعی یعنی نائب امام زمان علیه السلام؛ لذا در پارچه نوشته ها و پلاکاردهای اول انقلاب این جمله زیاد دیده میشود «نائب الامام الخميني»؛ یعنی ما امام خمینی را به عنوان نائب امام زمان علیه السلام پذیرفته ایم، که به خیابان آمده و تظاهرات میکنیم و مرگ بر شاه می گوییم و مقابله با نظام شاهنشاهی می کنیم. پس اگر رهبری این انقلاب یک مرجع تقلید بوده است که در نگاه مردم، نائب امام زمان علیه السلام بوده؛ می شود گفت که ریشه انقلاب اسلامی اندیشه مهدویت است.

### جایگاه و گستره ی طرح اندیشه مهدویت پیش و پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

مهدویت جزو شاخصه های تفکر شیعی است؛ اما قبل از انقلاب رویکرد به این تفکر، انفعالی و همراه با سکون و سکوت بود و این گونه القا میشد که برای ظهور حضرت دعا کنیم و برای سلامتی حضرت صدقه بدهیم، روزهای جمعه دعا بخوانیم، زیارت آل یاسین بخوانیم و سعی کنیم یاد حضرت را داشته باشیم و یا نام فرزندانمان را نام حضرت بگذاریم. تفکری که موجب قیام و حرکت بشوند نبود. شاخص آن تفکر هم جریان انجمن حجتیه بود که صراحتاً اعلام کرده بود که در مبارزه با شاه ورود نمی کند و فقط به دنبال این است که با بهاییت مبارزه کند و مبانی تفکر مهدویت را در جامعه تبیین نماید. این کار فی نفسه کار بدی نبود؛ اما ناقص بود از این جهت که صرف مباحث نظری بود، بدون اینکه هیچ گونه نمود عملی در جامعه داشته باشد.

خب اگر کسی منتظر امام زمان علیه السلام است؛ نمی تواند حکومت طاغوتی را بپذیرد که زیر سلطه آمریکا کشور را اداره می کند. این دو با هم قابل جمع نیست؛ اگر کسی منتظر واقعی است، باید در دوران غیبت هم به وظایف خود در جامعه عمل کند.

نمی تواند وظایف اجتماعی خود را کنار بگذارد و فقط از بُعد فردی به بحث مهدویت توجه کند

اما بعد از انقلاب و با نگاه حضرت امام علیه السلام، آن تفکر انجمن حجتیه کنار گذاشته شد و این موضوع مطرح شد که انقلاب اسلامی قیام ملت ایران است بر اساس تفکر مهدویت و با هدف زمینه سازی برای ظهور امام زمان علیه السلام.

# مهدویت موتور محرک در بیداری ملت‌ها

دکتر سید احمد زرهانی

قائم مقام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف



وجه اشتراک این‌ها مبارزه با استعمار در جهت بیداری مردم، بالا بردن آگاهی، نفی خرافات و ایجاد انگیزه برای اصلاح و حرکت به سمت عدالت هست. وقتی که سید جمال وارد ایران می‌شود، مباحث عدالت اجتماعی را مطرح می‌کند. همچنین یک انقلاب کاملاً متفاوت از سایر نهضت‌ها تحت عنوان «مشروطه» در ایران رخ می‌دهد، سردمدار مشروطه علمای اهل بیت علیهم‌السلام هستند و فتاوی‌ای مرحوم آخوند خراسانی، مرحوم میرزای شیرازی برای تحریم تنباکو متصل هست به مهدویت و در حقیقت این حرکت بیدارگرانه وصل به مهدویت هست، می‌گوید:

«الیوم استعمال تنباکو و توتون بایء نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.»  
اینجا نسبت بین نهضت تنباکو که پدر مشروطه هست، با مسئله‌ی مهدویت روشن می‌شود. در دوره‌ی انقلاب همین‌طور هست، مشروعیت انقلاب اسلامی به عنوان نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این نشان می‌دهد که ما در پیروزی انقلاب، در دوره‌ی دفاع مقدس، در حوادث بعد از انقلاب و در تمام تنگناها «وَ اَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» (آل عمران/۱۰۳)، ما «حَبْلِ اللَّهِ» را امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تشخیص می‌دادیم و به او متوسل می‌شدیم و او را حاضر و ناظر در صحنه می‌دیدیم.

**آیا نقش باور مهدویت را در شکل‌گیری جریان‌های فکری و یا انقلاب‌هایی که در تاریخ معاصر ما شکل گرفته، مؤثر می‌دانید؟ و آیا این جریان‌ها و انقلاب‌ها متأثر از باور مهدویت است؟**

همه‌ی نهضت‌ها در ایران و در حوزه‌ی تشیع به نوعی متأثر از اندیشه‌ی مهدویت، اندیشه‌ی غدیر و اندیشه‌ی عاشورا هستند. در حوزه‌ی اهل سنت هم مسئله‌ی مهدویت، مسئله‌ی بسیار مهمی است، البته برخی از نهضت‌ها مثل قادیانیه با انحراف، آنکای به مهدویت داشتند؛ اما مهدویت به عنوان یک موتور محرکه، در بیداری ملت‌ها نقش داشته است... لذا تمام حرکت‌هایی که ما در طول تاریخ داشته‌ایم، از سرداران بگیرید، از نهضت‌های دوران خود ائمه‌ی اطهار بگیرید تا به امروز، به نوعی نگاه به یک آینده‌ی باشکوه بوده است. همین‌الآن یک فرقه‌ی منحرف و تکفیری به نام «داعش» وقتی که می‌خواهد اصالت برای خودش قائل بشود، نسبت آن خلیفه‌ی کاذبش را با اهل بیت علیهم‌السلام روشن می‌کند، اگر چه به صورت جعلی و ساختگی.

**انقلاب اسلامی در کشور عزیز ما، یک حادثه‌ای بود که در تاریخ نظیر ندارد. ما مقاطع مختلفی را در انقلاب پیش رو داشتیم؛ سؤال این است در این مقاطع تاریخی و حوادث مختلف و حساس، مهدویت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه نقشی در عبور از بحران‌ها و پیروزی‌ها داشته و دارد؟**

در تفکر اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام ما پدیده‌ای به نام غیبت داریم، غیبت صغری در زمان محدود و غیبت کبری در زمان به نسبت نامحدودی است. ما در دوره‌ی غیبت کبری جانشینان عام داریم که علما و مراجع هستند و هر گاه حرکتی در جهت احقاق حق و ابطال باطل رخ داده، در معیت علما و مبتنی بر فتاوی‌ای بزرگان دین بوده است. براین اساس طبیعی است که در هزاره‌ی گذشته پیوند وثیقی بین نهضت‌های آزادی‌بخش و مرجعیتی که نایب امام بوده، وجود داشته باشد. ما در دو قرن اخیر تحولاتی را در دنیای اسلام؛ هم در حوزه‌ی اهل تسنن، هم در حوزه‌ی اهل تشیع شاهد هستیم. سردمدار هر دو حرکت شخصیتی است بنام سید جمال الدین اسدآبادی. ایشان شخصیت جامع‌الاطرافی است که از حیدرآباد تا استامبول نفوذ دارد. ایشان هم در مصر و هم در عثمانی و هم در هندوستان و هم در ایران شاگردانی دارد.



## - به نظر شما انقلاب اسلامی ایران چه قدر در بیداری و ایجاد جبهه‌ی جهانی مستضعفین برای آماده شدن و حضور در آن دوران طلایی موفق بوده است؟

**نکته اول:** امام خمینی علیه السلام یک خزانه‌ی واژگانی جدید در دهه‌ی چهل و پنجاه به ارمان آوردند از جمله معنادار کردن واژه‌ی «مستضعفین» و «مستکبرین»؛ یعنی امام خمینی علیه السلام نیامد بگوید شیعه و غیر شیعه، نیامد بگوید مسلمان و غیر مسلمان از دو تا تقسیم بندی «مستضعفین» و «مستکبرین» استفاده کرد.

**نکته دوم:** مسئله انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در افق مهدویت شکل گرفت. الآن شما نگاه می‌کنید در دنیای اسلام، ارتجاع در حول شورای کشورهای خلیج فارس با مرکزیت عربستان تمرکز پیدا کرده و مقاومت اسلامی با مرکزیت فلسطین تمرکز پیدا کرده است. شما در این دو تا یک تفاوت می‌بینید، تفاوت مهم و آشکار این هست که در مقاومت اسلامی اعتقاد به مهدویت و مبارزه با استکبار هست و در شورای خلیج فارس مرتجعین، تعافل از مهدویت و آینده‌ی جهان اسلام و تمسک به استکبار را می‌بینید. این مرزبندی در حقیقت ناشی از این هست که در یک حرکت، یک آینده‌ی روشن برای جهان اسلام ترسیم شده و حرکت به سوی حکومت عدل و علم و اقامه‌ی دین و در جهت دیگر بسنده کردن به همین یافته‌هایی که در اثر همنشینی با غرب و تمکین از غرب به دست آوردند یعنی در یک جایی حضيض ذلت هست و در یک جایی اوج عزت هست. اوج عزت به انقلاب اسلامی و نگاه به آینده‌ی درخشان جهان اسلام برمی‌گردد،

**نکته سوم:** مهدویت انحصار به تشیع ندارد، بلکه همین الآن، در همین عربستان سعودی بعضی از علمای حنبلی دور از چشم وهابی‌ها روی مسئله‌ی مهدویت دارند کار می‌کنند و انگیزه‌آفرینی می‌کنند. براین اساس عقیده‌ی به مهدویت دارد یک موج بیداری را در کل جهان اسلام مدیریت می‌کند، بالأخص در حوزه‌ی مقاومت اسلامی؛ کشورهایی مثل سوریه، عراق، یمن، ایران و حزب الله لبنان، این‌ها به وضوح روی موضوع مهدویت دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند، لذا یکی از نیازهای جهان اسلام این هست که ما یک راهبردی را تدوین بکنیم که نسبت حرکت‌های جهان اسلام را با آخرالزمان تبیین بکند و وظایف متفکرین اسلامی اعم از شیعه و سنی را تعیین بکند و اگر ما بتوانیم این راهبرد را مدون بکنیم، بخش زیادی از مشکلات دنیای اسلام حل می‌شود و سردرگمی‌های موجود هم برطرف می‌شود.

## - جریان انقلاب اسلامی در بعضی از بیانات امام خمینی علیه السلام اتصال مستقیمی با جریان ظهور دارد، شبیه این سخنان را در فرمایشات رهبری عزیزمان هم داریم. این اتصال و این امیدی که هست که این انقلاب به جریان ظهور متصل می‌شود را چگونه تحلیل می‌فرمایید؟

- ببینید همه‌ی ما صبح که از خواب بیدار می‌شویم، در قنوت نمازمان می‌گوییم: «رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً» (کهف/۱۰)، این «مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً» امام زمان علیه السلام هست؛ یعنی درحقیقت همه‌ی ما صاحبمان را با درخواست ظهور آغاز می‌کنیم، «اللَّهُمَّ ارْزُقِ الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْعُرَّةَ الْخَمِيدَةَ» (دعای عهد)، در آن لحظات تنهایی مان که وارد مناجات می‌شویم، از خدا می‌خواهیم که آن چهره‌ی زیبا را به ما نشان بدهد، چرا؟ برای این که این نیاز باطنی ماست و در معرض نور هدایت قرار گرفتن از ناحیه‌ی مقدسه امکان حیات را به ما می‌دهد، چون مجرای فیض الهی است، بر این اساس انقلاب اسلامی حیاتش در گرو اتصال به مهدویت هست. این افق پیش‌رو، نوعی حیات بخشی برای ما دارد. یعنی اتصال ما به مهدویت عامل استمرار حیات ماست؛ انقلاب اسلامی همان‌طور که منقطع از قرآن، سنت و عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قابلیت استمرار ندارد و محال است که این انقطاع اتفاق بیفتد، عدم اتصال به مهدویت هم نمی‌تواند اتفاق بیفتد و بی‌معنی است.

## - حضرت آقا می‌فرمایند: «مهدویت نرم‌افزار مقابله‌ی با استکبار است». سؤال این است که شاخصه‌ها و مدل‌های نرم‌افزاری و شکل مقابله چگونه باید باشد؟ به تعبیر دیگر مهدویت چه قابلیت‌هایی دارد که می‌تواند با جریان استکبار مقابله کند؟

- در تبیین سخن مقام معظم رهبری باید گفت که استکبار کارویژه‌هایی دارد، ما هم کارویژه‌هایی براساس مهدویت باید داشته باشیم، کارویژه‌های استکبار و استعمار، آرمان‌سازی برای بشریت هست. این‌ها تلاش می‌کنند یک افق طلایی بر مبنای اندیشه‌های ماتریالیستی و مادی‌گرایی ترسیم بکنند، نسل جوان را هم در غرب، هم در شرق فریب بدهند و به سمت آن افق‌ها هدایت کنند.

کاری که ما براساس آرمان مهدویت و عقیده به آن می‌توانیم انجام بدهیم، آرمان‌سازی‌های متقابل و واقعی است.

گوهر آرمان‌سازی‌های غرب دروغ و دغل‌بازی است و گوهر آرمان‌سازی‌های جهان اسلام بر مبنای مهدویت و حقیقت هست. غرب متصل به شهوات آرمان‌سازی می‌کند ولی ما باید متصل به فطرت آرمان‌سازی بکنیم و در حقیقت وقتی ما می‌گوییم اعتقاد به مهدویت نرم‌افزار تقابل با غرب هست، یعنی باید آرمان‌سازی ما مبتنی بر فطرت و برخاسته از قرآن و عترت و متصل به معارف مهدوی باشد. ما باید افق عدالت جامعه‌ی مهدوی را ترسیم بکنیم، باید افق علم در جامعه‌ی مهدوی را ترسیم کنیم، باید افق مستضعف‌نوازی، انسان‌دوستی و نوع‌دوستی را ترسیم کنیم. ببیند حضرت عیسی علیه السلام در رکاب حضرت مهدی علیه السلام می‌آید، یعنی چه؟

یعنی می‌تواند سنبل این باشد که تمدن غرب وقتی قدرت، عظمت، انصاف، عدالت و علم را در حکومت مهدوی می‌بیند، می‌آید با تواضع تمکین می‌کند و پیروی می‌کند و این رمز ایستادن حضرت عیسی علیه السلام در کنار حضرت مهدی علیه السلام یعنی فروکش کردن غلیان‌ها، جریان‌ها و طغیان‌های استعمار غرب و کرنش آن‌ها در مقابل تمدن مهدوی است.

اسلام‌شناسان باید وارد میدان بشوند و ابعاد تمدن مهدوی را به صورت عقلانی و علمی و با اتکا به قرآن، سنت و عترت ترسیم بکنند، حتی کارگروه‌های مشترک در امتداد اجلاسی که مادر زاهدان داریم، علمای اهل سنت ایران و جهان اسلام، علمای شیعه‌ی ایران، پاکستان، هند، لبنان، عراق بنشینند، کارگروه تشکیل بدهند، ولو به صورت مجازی و بیابند خطوط تمدن مهدوی را ترسیم بکنند. اگر اساتید جمع بشوند، در واقع فرمایش حضرت آقا را به یک تئوری تبدیل می‌کنند. «نرم‌افزار جهان اسلام، مهدویت است»؛ یعنی «مهدویت تمدن‌ساز است». نرم‌افزار بودن مهدویت باید تبدیل به سازه‌بشود، یعنی سازه‌های حکومت مهدوی.

پایان



گزیده ای از مصاحبه آیت الله مصطفی محامی

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان

عجل الله تعالی فرجه الشریف

## اعتقاد به حضرت مهدی همان اعتقاد به شکست استکبار جهانی است

### - بایسته های زمینه سازی ظهور در انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی حرف جدیدی را در میان همه حرف ها بیان کرد و مدعی و علمدار شد و بحث اسلام و بازگشت به تمدن اسلامی، هویت دینی و حکومت بر اساس معارف دینی را در جهان دو قطبی یا تک قطبی مطرح کرد. این که حکومت و ملتی بتواند در برابر قدرت ها مقاومت کند نقطه امید است.

همچنین گسترش جبهه مقاومت و تحولاتی که در عراق، سوریه و فلسطین رخ می دهد، می تواند نشانه ای از درگیری هایی باشد که مقدمه ظهور حضرت است.

لذا انقلاب اسلامی و توسعه جبهه مقاومت و علمداری انقلاب اسلامی برای یک حرف جدید و عرضه یک مدل جدید در جهان طبیعتاً می تواند زمینه ساز ظهور باشد.

نکته دیگر این که ما باید با کار خود زمینه ساز ظهور باشیم و نه با حرف و ادعا و در صورتی می توانیم امیدوار باشیم که انقلاب اسلامی زمینه ساز ظهور باشد که این امر در عمل اتفاق بیافتد.

یک جهت گسترش فکر و جبهه مقاومت است و جهت دیگر این است که یک نمونه روشن، هرچند کوچک را بتواند نشان دهد تا دلها را جذب کند و آماده پذیرش ظهور شوند و اگر در این جهت موفق نباشیم از آن حیث زمینه سازی ظهور صورت نمی گیرد.

لذا انقلاب اسلامی باید زمینه را برای تربیت کادر و نیرو فراهم کند و لازمه آن گسترش معارف اسلام ناب محمدی است و این که معارف اسلام ناب منتشر شود و اگر انقلاب اسلامی زمینه انتشار را فراهم کند؛ طبیعتاً این زمینه سازی ظهور است.

نورانیت معارف اهل بیت (علیهم السلام) به گونه ای است که اگر مردم زیبایی های کلام امامان را بشنوند و بشناسند حتماً پیروی خواهند کرد و هنر ما و انقلاب اسلامی باید این باشد که بتواند این سخن را به مردم برساند و در دنیا منتشر کند.

یک نمونه، خود انقلاب اسلامی و شخصیت حضرت امام خمینی (علیه السلام) است که همه توجه عالمیان را جلب کرد.

مثلاً جالب است که برخی از طلاب جامعه المصطفی می گفتند ما که مسیحی بودیم، اول تابع امام خمینی (علیه السلام) شدیم و بعد که فهمیدیم مسلمان است، مسلمان شدیم و سپس که فهمیدیم شیعه است، شیعه شدیم و این یعنی خود شخصیت هم اثرگذار است.

نمونه دیگر این که سید حسن نصرالله می فرمود که از علمای اهل سنت مصر نزد ایشان آمده بودند و بحث گسترش تشیع در مصر را مطرح می کردند و سید پاسخ داده بود که ما دنبال شیعه سازی نیستیم و آنها ضمن تأیید این نکته گفته بودند که وقتی جوانان ما شما را می بینند خود به خود مسیر شما را ادامه می دهند این موارد زمینه سازی های ظهور است که باید این نقاط قوت را تقویت کنیم.

# یکصد مایه از این قوم برگردد

لذا نگاه به مقوله آخر الزمان و ظهور حضرت در بین شیعه و سنی در کلیات و بخشی که در جهت دهی به زندگی و تلاش جامعه ما مؤثر است مشترک می باشد.

## - دیدگاه خود را درباره نوع نگاه اهل سنت به مقوله آخر الزمان و ظهور بفرمایید.

روایت‌ها نسبت به ظهور متفاوت است. برخی از خود پیامبر ﷺ برخی از اهل بیت ﷺ و برخی از اصحاب رسیده است. بخش اول که در رابطه با اصل ظهور حضرت مهدی ﷺ و این که ایشان از فرزندان پیامبر خدا ﷺ هستند و در آخر الزمان ظهور می کنند؛ در زمانی که زمین پر از ظلم و جور شده است از پیامبرگرمی خدا ﷺ نقل شده و اهل سنت به آن معتقدند، نه تنها اهل سنت که اصولاً اعتقاد به موعود و مصلح آخر الزمان وجه مشترک ادیان الهی است. همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (آیه ۱۰۵/انبیاء)».

نشانگر این است که قدر مشترک جامعه اسلامی و ادیان توحیدی و ابراهیمی اعتقاد به مصلح آخر الزمان است.

اهل سنت هم همین مباحث را معتقدند و تنها در بعضی خصوصیات اختلاف وجود دارد. این که آیا حضرت مهدی ﷺ به دنیا آمده اند و فرزند حضرت امام حسن عسکری ﷺ هستند و در غیبت به سر می برند بعد ظهور می کنند یا اینکه از ذریه پیامبر در زمان خودش متولد خواهد شد که در این جهت بین شیعه و اهل سنت اختلاف است.

در گذشته در مسجد جامع آل رسول ﷺ سرراوان، مولوی ارباب امام جمعه وقت اهل سنت منطقه، کتب و منابع اهل سنت را همراه خود آورد و حدود یک ساعت درباره حضرت مهدی ﷺ صحبت کرد توضیح داد و عنوان کرد که عمداً کتاب‌ها را آورده که گمان نشود که این مباحث برای خوش آمد دیگران مطرح شده است.

## - دیدگاه شما درباره ظرفیت مهدویت در ایجاد وحدت بین امت اسلامی چیست؟

بحث انقلاب اسلامی، جبهه مقاومت و تلاش‌هایی که برای ایجاد حکومت دینی بر اساس معارف بیان شده بین شیعه و اهل سنت مشترک است و لذا می بینیم در جبهه مقاومت گروه‌های مختلفی از شیعه و مذهب جعفری تا اهل سنت حنفی و شافعی در سوریه لبنان و فلسطین تا زیدیه در یمن وجود دارند که همه در این امر مشترک هستند.

از طرفی اشتراک نگاه میان مذاهب اسلامی و سایر ادیان در کلیات مهدویت می تواند محور عمده وحدت نه تنها در جهان اسلام بلکه جامعه ادیان ابراهیمی باشد.

بسیاری روایت‌ها در خصوص حضرت مهدی ﷺ را پیامبرگرمی خدا ﷺ و فریقین نقل کرده اند و لذا مهدویت از ظرفیت بالایی در راستای وحدت امت اسلامی برخوردار است.

به دوستان بنیاد مهدویت تأکید کردم با توجه به اعتقاد اهل سنت به حضرت مهدی ﷺ، ما در مهدویت نباید فقط مخاطب خود را شیعیان بدانیم؛ زیرا اهل سنت هم هستند و اهل سنت هم بر اساس مبانی خود باید بیایند و برای مخاطب شیعه و سنی مباحث مهدویت را بیان کنند و مخاطب شیعه و سنی ما با این معارف آشنا باشد که نتیجه گیری خود را خواهد کرد و حضرت مهدی ﷺ قدر مشترکی بین همه مذاهب است. همه مسئولین شیعه و اهل سنت و جامعه اسلامی باید در این جهت تلاش کنند و بازگشت به خویش‌نخستین خویش و آشنایی با معارف اسلامی و تربیت نیروی آماده به کار و کادرسازی، مسئولیت همه جامعه اسلامی است.

## - از منظر شما جایگاه و شاخص های نرم افزاری مهدویت در مقابله با استکبار چیست؟

جریان استکباری، جبهه مقابل مهدویت و ظهور حضرت است. بر حسب اعتقاد شیعیان، خلفای جور و کسانی که در دوران امام حسن عسکری ﷺ ایشان را حبس کردند چون روایات پیامبرگرمی خدا ﷺ را شنیده بودند می خواستند، همانند فرعون در برابر حضرت موسی ﷺ از تحقق این امر جلوگیری کنند؛ اما خداوند کار خود را کرد. لذا تقابل جبهه حق با باطل وجود داشته و تاقیامت خواهد بود.

لذا اعتقاد به حضرت مهدی ﷺ، اعتقاد به شکست استکبار جهانی است و اینکه افق آینده روشن است. طبیعتاً این برای دولت‌های استکباری، نگران کننده است. اگر این را محور قرار دهیم مشخص است که آنها چه قدر با فکر مهدوی، گسترش فرهنگ مهدوی و تلاش برای دوران حضور ایشان و زمینه سازی برای ظهور، مقابله می کنند و نقشه می کشند تا از تحقق این امر جلوگیری کنند:

«وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (آیه ۳۰ سوره مبارکه انفال)» البته نقشه خدا از آن‌ها بالاتر است و مسلط بر آن هاست. اصل این فکر با اصل وجود و ساختار استکبار در تنافی است لذا آنها تمام توان را برای مقابله خواهند گذاشت و از این طرف هر چقدر ما بتوانیم در جهت فکر مهدوی و رشد معارف ناب و تربیت نفوس و آماده سازی تلاش کنیم در واقع جبهه توحیدی تقویت شده است. این کشمکش ادامه پیدا می کند و ما هر چه بیشتر تلاش کنیم زمینه برای ظهور حضرت فراهم تر خواهد شد. اما این که چه زمانی تحقق پیدا می کند، تدبیر الهی است و ما بدون تعیین وقت و بدون شکایت و گلایه باید تلاش کنیم برای تقویت و گسترش جبهه توحیدی و جبهه حق و جبهه مقاومت و نشر معارف اسلام ناب محمدی تا این که خداوند به تلاش‌ها برکت عنایت کند و زمینه بیشتری فراهم شود.

این شاء الله



## پیشینه مهدویت در منابع اهل سنت

در مصاحبه با عالم اهل سنت  
مولوی واحد بخش نشنیه زهی  
امام جمعه سرسوره شهرستان سیب و سوران

باور عقیده مهدویت نه تنها به یک مذهب؛ بلکه ادیان گذشته چون مسیحیت و یهودیت هم به منجی و مهدویت اعتقاد و باور دارند و این به مذهب تشیع اختصاص ندارد.

بنا به روایات قِرَقِ اسلامی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ بشارت هایی نقل شده که: «در آخرالزمان مردی از اهل بیت من ظهور می کند». پس اینگونه روایات در اغلب منابع اهل سنت ذکر شده که به تعدادی از منابع آن اشاره خواهیم کرد:

### کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال شیخ علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین الهندی:

کتابی مستقل در مورد امام مهدی عجل الله فرجه با عنوان البرهان فی علامات مهدی الاخرالزمان دارد.

چندین کتاب و رساله از علماء و دانشمندان اهل سنت در مورد امام مهدی عجل الله فرجه نوشته و به ثبت رسانده اند که از افتخارات خود می دانند کتاب چهل حدیث از ابو نعیم اصفهانی که در موضوع مهدویت نوشته است. ابوعبدالله گنجی شافعی هم در کتابی بنام البیان فی اخبار صاحب الزمان قلم فرسایی نموده و از افتخارات خویش می داند.

عقدالدور فی اخبار المنتظر از تالیفات یوسف بن یحیی بن علی بن علی بن عبدالعزیز مقدسی شافعی، نام نیکی بیادگار گذاشته است در نتیجه کتاب های متعدد و بی شماری علمای سلف و خلف در مورد مهدویت نوشته اند و علمای معاصر هم کتاب های زیادی دارند.

کمال تشکر و قدردانی از همه پژوهشگران.

### پیشینه مهدویت در اندیشه معاصر اهل سنت.

امید به آمدن مصلح بزرگ آسمانی در آینده روشن و استقرار عدالت و صلح فراگیر و همگانی، امری فطری است چون که مهدویت مختص یک قوم و ملت نیست لذا همه افراد طبق فطرت ذاتی خود منتظرند؛ لذا اعتقاد به معاد و مهدویت باعث افزایش تقوای الهی می شود.

**کتاب مصنف عبدالرزاق:** این کتاب اثر ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی است که ایشان فصلی را با عنوان «باب المهدی» گشوده و در آن بیش از ده حدیث نقل کرده است از شماره ۲۰۷۶۹ تا شماره ۲۰۷۷۹ ادامه دارد.

**کتاب الفتن حافظ ابو عبدالله نعیم بن حماد المروزی:** در کتاب الفتن احادیث فراوانی در مورد حضرت مهدی عجل الله فرجه و صفات ایشان روایت نموده است.

**المصنف حافظ عبدالله بن محمد شیبانی الکوفی:** در کتاب خودش بخشی را با عنوان الفتن قرارداده که احادیثی در خصوص مهدویت روایت نموده است شماره احادیث از ۳۷۶۳۷ الی ۳۷۶۵۳ می باشد.

**مسند امام احمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی:** در کتاب مسند خویش احادیث مختلف و متعددی درباره حضرت مهدی عجل الله فرجه ذکر کرده است با ضمیمه کتاب البیان فی الاخبار صاحب الزمان و همچنین در مجموعه ای بنام احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل به چاپ رسیده است در این مجموعه ۱۳۶ حدیث آمده است.

**سنن ابن ماجه محمد بن یزید ابو عبدالله القزوی:** از محدثان مشهور که کتاب ایشان جزو صحاح سته اهل سنت می باشد در مورد مهدویت بابی بعنوان «باب خروج المهدی» اختصاص داده است.

**سنن ابی داود السجستانی:** که جزو صحاح اهل سنت می باشد بابی با عنوان «کتاب المهدی» به صورت مستقل ذکر کرده است.

**کتاب الجامع الصحیح الترمذی محمد بن عیسی ترمذی سلمی:** یک فصل بنام «فصل ماجائ فی المهدی» از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل نموده است.

**المستدرک علی الصحیحین محمد بن عبدالله ابو عبدالله حاکم نیشابوری:** فصلی خاص به رشته تحریر در آورده است در کتاب الفتن والملاحم همچنین بصورت پراکنده هم ذکر کرده است.

اندیشه معاصر با عقیده به ظهور نجات دهنده و امید به یک آینده ای روشن که در آن نگرانی ها و هراس ها مرتفع گردد و تاریکی ها از پهنه گیتی برچیده و روش ظلم، جهل و تباهی برکنده شود یک اعتقاد عمومی است که همواره بین بیشتر ملت ها وجود داشته است.

این اعتقاد به منجی آخرالزمان و انتظار ظهور غیبی و مصلح را فو توریسم می گویند فو توریسم عقیده ای است معاصر، که درکیش های آسمانی زوراستریالیسم و جودانیسم یعنی زردتشت و یهودیت و مذاهب عمده مسیحیت وجود داشته و دارد که در میان فرق اسلامی و مذاهب اهل سنت بطریق اولی و دانشمندان و پژوهشگران چیره بیشترین و بهترین اعتقاد را نسبت به امام زمان و مهدویت دارند؛ چون ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام جزء عقاید اهل سنت و الجماعت می باشد باید در پرتو عقاید در این مورد بحث نمود. عقیده اهل سنت و الجماعت این است که ظهور امام مهدی علیه السلام در آخرالزمان حق و رواست و در این مورد به قدری روایت وارد شده است که حکم تواتر معنوی را دارند.

درحقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بنندگان شایسته ما به ارث خواهند برد، محققان اهل سنت مفهوم انتظار برای امام آخرالزمان که روایات از رسول صلی الله علیه و آله با اسناد قوی به ما رسیده است یعنی معنا دار بودن زندگی و امید آینده یعنی قیامت است مهدویت دومعنا دارد:

الف: ارزشمندی  
ب: هدفمندی

و اهل سنت ارزشمندی را اینگونه تفسیر می کنند که انسان باید در زندگی چیزی را پیدا کند که زیستن در دنیا و تحمل رنج ها را برای او هموار نماید عبارتی دیگر ارزش آن را داشته باشد که برای آن تلاش کند و تکاپو نماید.

نقش مهدویت در دینداری مردم این است که چهار علت وجودی فاعلی و مادی و صوری و غایی دارد که علت غایی به زندگی حقیقت می بخشد؛ هدف معنا دار بودن و دینداری است، هرگاه از دست بدهیم محکوم به فنا و نابودی می شویم.

نقش مهدویت در دینداری مردم؛ یعنی چرایی زندگی را درک کردن با هر چگونگی چرایی یعنی غایت و هدف که به زندگی معنا می بخشد علمای اهل سنت قائل بر آن هستند که آشفستگی و سرگردانی انسان در جهان مدرن بر آمده از فقدان ایمان و دست برداشتن از خدا و دین است

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (آیه ۲۴ سوره مبارکه انفال) «همچنین خداوند فرموده»

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (آیه ۱۲۴ سوره مبارکه طه) «

راه خروج از سرگردانی، معنویت و دینداری است که مهدویت از ایمان و دینداری و نقش آن در زندگی مادی و معنوی می باشد که سفارشات اکید قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دانشمندان بزرگ مذاهب بوده است.

● مولانا محمد ادريس كاندهلوی در شرح مشكات به نقل از شرح عقیده سفارینه جلد ۲ صفحه ۸۰ نوشته است: «قد كثرت الروايات بخروج المهدي حتى بلغت حد التواتر المعنوي» فرمودند که روایات در مورد ظهور امام مهدی علیه السلام آنقدر زیاد است که به تواتر معنوی رسیده است. در ادامه می فرماید: «حتى عد من معتقداتهم فالإيمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند اهل العلم ومدون في عقائد اهل السننه والجماعة»؛ حتی اعتقاد به ظهور امام مهدی علیه السلام نزد اهل علم واجب است که یعنی جزو عقاید اهل سنت تدوین شده و به ثبت رسیده است همچنین در کتاب «بذل المجهود» شرح سنن ابی داود شرح حدیث «لوم لیبق من الدنيا یوم» نوشته شده است حاصل و معنی حدیث این است که آمدن امام مهدی علیه السلام امری مؤکد و یقینی می باشد و بدون تردید به وقوع خواهد پیوست.

● مولانا سید بدر عالم مهاجر مدنی نیز در ترجمان السنه به نقل از شرح عقیده درباره روایات ظهور امام مهدی علیه السلام مدعی تواتر معنوی است.

● شهید اسلام مولانا یوسف لدیانوی نیز در جلد اول کتاب موسوم به «آپ کی مسائل اوران کاحل» در ضمن پاسخ به سؤالی به تفصیل بحث کرده و ظهور مهدی را از عقائد اهل سنت و جماعت به حساب آورده است قطعی بودن ظهور امام مهدی جزء عقیده ما اهل سنت است که نمی توان انکار کرد.

● ملا علی قاری از علمای شاخص اهل سنت از مسند احمد و امام ابو داود از حضرت علی رضی الله عنه روایت مرفوع نقل فرموده «اگر از زمان فقط یک روز باقی بماند باز هم خداوند تعالی از اهل بیت من مردی را خواهد فرستاد که زمین را با عدل و داد پر کند همچنان که مملو از ظلم و ستم بود».

● اهل سنت و الجماعت برای «امام مهدی» کلمه «رضی الله» بکار می برند از جمله مولانا یوسف لدیانوی درباره جواب سوالی که در مورد امام مهدی شد. برای امام مهدی کلمه «رضی الله عنه» بکار برد. در این قسمت اسامی تعدادی از علمای معاصر که در مورد امام مهدی کتاب نوشتند و به ایشان اعتقاد دارند بشرح ذیل می باشند:

یک. حافظ ابوالحسن ابری | دو. سید محمد برزنجی | سه. علامه سفارینی | چهار. علامه شوکانی | پنج. نواب صدیق حسن خان | شش. شیخ جعفرکنانی | هفت. حافظ ابو جعفر عقیلی | هشت. علامه ابن حبان | نه. امام ابوسلیمان خطایی | ده. امام بیهقی.

### مفهوم انتظار در اهل سنت و نقش آن در دینداری.

جواب این سوال را خداوند قبل از دین اسلام در کتاب زبور بشارت داده است و در قرآن برای مسلمانان یادآوری نموده:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء)



گفتگو با جناب آقای دکتر حسین اکبری؛  
معاون فرهنگی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

## نگاه جمهوری اسلامی به جهان یک نگاه راهبردی است

نگاه جمهوری اسلامی به جهان یک نگاه راهبردی است؛ این نگاه می‌گوید ما باید به آزادی و نجات مسلمانان و مستضعفین جهان از ظلم کمک کنیم. این نگاه که هم در قانون اساسی و هم در اعتقادات ما و هم در سیره و روش اهل بیت علیهم‌السلام بوده و مبتنی بر قرآن است، یک نگاه جهانی نگر به کل بشر است. این نگاه پنج ویژگی دارد:

### یک. ظلم ستیزی:

در نگاه انقلاب اسلامی در قالب مقاومت - که یکی از ویژگی‌هایش ظلم ستیزی است - این ظلم در حق هر کسی باشد، ما از آن مظلوم می‌خواهیم دفاع کنیم. منتهی دفاع از مظلوم و مستضعف و ظلم ستیزی مبتنی بر محاسبات الهی در عالم.

### دو. عقلانیت:

ما معتقد نیستیم که باید با جنگ روانی گمراه کننده، آدم‌ها را اغفال کنیم تا با ما همراه شوند. ما می‌گوییم باید روشنگری را مبتنی بر حق مطرح و فضایش را ایجاد کنیم که این‌ها اقناع شوند تا منافع خودشان را تأمین کنند. این راهبرد کاملاً مبتنی بر عقلانیت و منافع خود آنهاست.

### سه. معنویت:

ما معتقدیم که در این دنیا نمی‌شود بدون معنویت و نگاه به قدرت الهی در هیچ معادله‌ای وارد شد؛ یعنی ما اگر بخواهیم بدون قدرت الهی وارد مبارزه با نظام سلطه و دفاع از مظلوم بشویم اصلاً غیر ممکن و نشدنی است. ما معتقدیم با اتکالی به قدرت الهی می‌توانیم خارج از معادلات مادی عمل کنیم. اگر با توکل بر خدا عمل کردیم خداوند هم طبق وعده‌ای که در قرآن کریم داده است کمک می‌کند. در این چهل و چند سال گذشته هر کجا که با توکل و تمسک به قدرت خدا وارد شدیم پیروز شدیم. در بوسنی، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و هر کجا که ما وارد شدیم که از مسلمانان و مستضعفان دفاع کنیم مبتنی بر عقلانیت و معنویت و منافع ملت آن کشور بوده است.

### چهار. عدالت:

عدالت با فطرت انسان‌ها در ارتباط است و خداوند بر اساس فلسفه خلقت، عدالت را در حق مخلوقات خود اجراء می‌کند و اگر ما به خداوند تکیه کنیم حتماً حقوق ما تأمین می‌شود.

### پنج. وحدت:

ما معتقدیم همه انسان‌هایی که در فضای مقاومت و وحدت کلمه وارد می‌شوند همه آنها ظلم ستیز و حق طلبند و دنبال استقلال سیاسی و فرهنگی هستند. پس می‌توانند از حمایت ما برخوردار باشند. هر چه تعداد کشورهای مستقل در جهان امروز بیشتر شود تهدید نظام سلطه بر کشور های مستقل و آزادیخواه کمتر می‌شود بنابراین وحدت، ضرورت عقلانی نیز هست که اگر کشورها با هم وحدت کنند همگی از امنیت و رفاه بیشتری برخوردار خواهند بود.

در انتها می‌توانیم ادعا کنیم تا به امروز با این نگاه و رویکرد و در نظر گرفتن این مؤلفه‌ها بوده است که ایالات متحده را شکست داده ایم و او هم به تلافی تمام شکست‌های همراه با رسوایی خود، تلاش دارد تا ارزش‌هایی مانند «ولایت»، «شهادت» و «مهدویت» را از جامعه بگیرد و اگر جمهوری اسلامی در برابر آمریکا مقاومت نمی‌کرد، آنها دین خدا را از روی زمین محو می‌کردند.



## اهداف همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی

در مصاحبه با جناب آقای موسی شهرکی  
مدیر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه استان سیستان و بلوچستان و  
دبیر اجرایی دومین اجلاس مهدویت و انقلاب اسلامی

### چه اهدافی برای همایش ملی مهدویت و انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده است؟

همانطور که می دانید انقلاب اسلامی ایران با رهبری حکیمانه امام خمینی ره و با تکیه بر معارف مهدوی به پیروزی رسید و آن چیزی که توانست این انقلاب را در مقابل توطئه های پی در پی و پیچیده استکبار حفظ کند، دست عنایت خداوند و توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه به این سرزمین بوده است.

با گذشت بیش از چهار دهه از عمر پر برکت این انقلاب می توانیم بگوئیم کارهای خوب و اثرگذاری در موضوع مهدویت انجام شده است؛ اما باید به عرض برسانم در زمینه تبیین و نقش مهدویت در انقلاب اسلامی کار اصولی و ماندگاری برای آگاهی اقشار مختلف از جمله جوانان شکل نگرفته است و باید تلاش نمود و امکانات وسیعی در جهات مختلف بکار گرفته شود تا نقش مهدویت در حرکت های دینی در دوران معاصر و بخصوص در به ثمر رسیدن و تداوم انقلاب به خوبی تبیین و تشریح شود، لذا این همایش با اهداف:

- نصب العین قرار دادن فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی که فرمودند: «در خصوص ترویج فرهنگ و معارف مهدویت باید کار عالمانه قوی و متکی به مدرک و سند، همراه دقت صورت پذیرد».
  - فضا سازی و ایجاد موج رسانه ای در جهت توجه دادن مسئولین و اقشار مختلف جامعه به این امر مهم که هدف نهایی انقلاب اسلامی زمینه سازی حکومت جهانی اسلام و کوتاه نمودن دوران غیبت حجت خدا ارواحنا فداه می باشد.
  - تبیین پیوندهای فرهنگ مهدویت و انقلاب اسلامی و بررسی راهکارهای تحقق تمدن نوین اسلامی
  - امید آفرینی در دل اقشار مختلف بخصوص جوانان نسبت به سرنوشت و آینده روشن بشریت.
  - انسجام، همبستگی و همگرایی مذاهب مختلف اسلامی با موضوع معارف مهدویت.
- برنامه ریزی شده است. امید است محققان، اندیشمندان حوزوی، دانشگاهی و فرهنگی به این موضوع بپردازند و با ارائه مقالات عالمانه به تحقق اهداف این همایش مساعدت نمایند.

### سیر اقدامات انجام شده تاکنون چگونه بوده است؟

بنده لازم می دانم از حسن نیت مدیر عامل و هیئت مدیره محترم بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه مرکز تقدیر و تشکر کنم و همچنین نیز لازم است به عرض برسانم زمینه ترویج معارف مهدوی در استان سیستان و بلوچستان در میان اقشار مختلف اعم از شیعه و سنی به نحو مطلوبی وجود داشته و دارد و اما اقدامات انجام شده بشرح ذیل می باشد:

- تأیید موضوع همایش توسط نماینده محترم ولی فقیه و تصویب آن در جلسه ۱۷ مهر ۱۴۰۱ شورای سیاست گذاری، پشتیبانی و هماهنگی فعالیت های مهدوی استان؛
- تهیه محورهای همایش با نظر کارشناسان استانی و کشوری و همچنین بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه مرکز؛
- پیگیری اخذ مجوز از طریق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مراجع قانونی
- اعلام فراخوان اولیه در تاریخ یکم آبان ماه به کلیه استان ها؛
- تشکیل جلسه هماهنگی دستگاه های همکار و سایر نهادهای فرهنگی در استانداری سیستان و بلوچستان در حضور معاون محترم سیاسی و اجتماعی و تأمین منابع مالی همایش؛
- چاپ پوستر همایش و ارسال به مراکز دانشگاهی، حوزوی و مؤسسات فعال مهدوی در سطح کشور
- برگزاری جلسات هفتگی اعضای کمیته علمی و اجرایی و پیگیری اخذ مقالات معتبر از افراد حقیقی و نهادهای حقوقی.
- برگزاری جلسات هماهنگی با نهادهایی که می توانند در این مهم ایفای نقش نمایند.
- بار دیگر لازم می دانم از عنایات نماینده محترم ولی فقیه، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه مرکز، قرارگاه منطقه ای قدس نیروی زمینی سپاه، استانداری سیستان و بلوچستان و همه نهادهایی که آستین همت بالازده و در این امر مهم و خطیر اعلام همکاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

# گزیده‌ای از مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های اولین اجلاس مهدویت و انقلاب اسلامی

نخستین اجلاس ملی  
مَهْدُوتِ وَ  
انْقِلَابِ اِسْلَامِی







آیت‌الله العظمی عبدالکرم جوادی آملی

## مهدویت ضلعی از اضلاع وحی و نبوت است

جریان مهدویت و وجود مبارک آن حضرت . علیه آلاف التحية والثناء.، یک ضلعی از اضلاع وحی و نبوت است. حوزه وقتی می‌تواند در جریان مهدویت موفق بشود، که در اصل توحید و وحی و نبوت کار کرده باشد، وگرنه اگر معنای امامت خوب مشخص نشود، معنای نبوت مشخص نشود، و معنای توحید و وحی مشخص نشود و ضرورت نیاز جامعه به امام معصوم مشخص نشود، این از یک گوشه‌ای شروع کردن است و جامع نیست.

اگر نیاز بشر به وحی و به عصمت قطعی است، یا نبوت باید ادامه داشته باشد، الی یوم القیامه، یا آنچه به منزله «انفسنا» و «جان پیغمبر ﷺ» است باید ادامه داشته باشد، اگر نه این باشد و نه آن، جامعه فرومی‌پاشد. جامعه بدون روح، زندگی نمی‌کند و عقل می‌گوید روح جامعه، وحی است. یا باید پیغمبر باشد یا کسی که به منزله‌ی پیغمبر است، یا باید خودش باشد یا انفسنا باشد. یا او باید باشد، یا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه.

خود حضرت امام عجل الله تعالی فرجه با همین‌ها انقلاب کرده است، بشر تشنه این حرف‌ها است. بشر به ستوه آمده است. جنگ جهانی اول را تجربه کرده است، جنگ جهانی دوم را تجربه کرده است، الان هر روز جنگ نیابتی است. بشر از بس بیراهه رفته است و سرش به سنگ خورده است، تشنه است.



آیت‌الله العظمی جعفر سبحانی

## انتظار فرج ایجاد آمادگی در ملت‌هاست

دین اسلام برای جهانیان آمده و آخرین دین و رسالت است؛ اما فراگیر نشده است. در میان همه‌ی انقلاب‌ها خداوند وعده داده انقلابی در آخرالزمان است که سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و بعثت انبیا را تکمیل خواهد کرد. بر اساس آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup>، سنت الهی آن است که بندگان صالح، حاکم و وارث جهان باشند. پیشگویی‌های قرآن، قطعی است و قرآن از آینده تاریخ خبر می‌دهد.

هر انقلابی برای خود شرایطی دارد و انقلاب بدون شرایط ممکن نیست. انقلاب امام خمینی عجل الله تعالی فرجه یکی از عظیم‌ترین انقلاب‌هاست که اساسی و ریشه‌ای بود؛ اما این انقلاب در زمان قدیم امکان‌پذیر نبود.

انتظار این نیست که دست روی دست بگذاریم و عجل‌الله‌تعالی‌گوییم. این خوب است؛ اما انتظار فرج، ایجاد آمادگی در ملت‌هاست. باید اندیشه مهدوی را از طریق رسانه‌ها به گوش ملت‌های سراسر جهان برسانیم که بدانند جهان باید در انتظار چنین فرجی باشد و این شب تار قطعاً صبح درخشنده‌ای دارد.

اگر امام خمینی عجل الله تعالی فرجه انقلاب اسلامی را به سرانجام رساند، این به واسطه پیامی بود که از ایشان در ۲۲ بهمن منتشر شد و جوانان ایرانی همه به خیابان‌ها آمدند و لبیک گفتند.

۱. و ما در زبور - پس از تورات - نوشته‌ایم: که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد: (انبیاء: ۱۰۵).



## اندیشه و آموزه مهدویت،

### پیشران اندیشه امام رحمته الله

آیت‌الله علیرضا عرافی رحمته الله؛  
مدیر محترم حوزه‌های علمیه سراسر کشور

\* انقلاب اسلامی با اندیشه مهدویت یک رابطه بسیار نزدیکی دارد، ما البته انقلاب اسلامی را در یک سطح کلان بشری برای مستضعفان عالم و انسان‌هایی که می‌خواهند از مدار قدرت‌های استکباری و استضعاف عالمی بیرون روند دارای پیام می‌دانیم. انقلاب اسلامی یک درون‌مایه و ظرفیت بسیار مستحکم در برابر استکبار دارد و پیامی برای همه بشریت گرفتار و اسیر قوای استکباری امروزی دارد. در عین حال این انقلاب اسلامی که برای همه امت اسلام است، یک درون‌مایه مهدوی دارد، که اتفاقاً همین درون‌مایه آن را با امت اسلام گره می‌زند.

\* اگر کسی مجموعه فرمایشات امام رحمته الله را به عنوان بنیانگذار و سلسله‌جنبان انقلاب اسلامی ملاحظه کند، حتماً در جای‌جای آن خواهد دید که عشق به مهدویت و آموزه‌های متعالی مهدویت، چگونه در وجود امام رحمته الله موج می‌زند و نه تنها یک عشق فردی و خاص بوده؛ بلکه اندیشه و آموزه مهدویت، پیشران اندیشه امام رحمته الله در پایه‌ریزی نهضت و انقلاب اسلامی بوده است.

\* در سخنان متفکران دیگر و نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی، همیشه می‌بینیم که مقوله مهدویت یک عنصر بسیار ریشه‌دار است؛ بنابراین مهدویت یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده انقلاب اسلامی و پیشران حرکت انقلاب اسلامی از نظر معرفتی است و از نظر عملی هم یک موتور محرک و انرژی بخش بوده، آن نگاه امیدوار به آینده و آن امید به تحول، در واقع یک روحی است که انقلاب اسلامی را پدید آورده است. بنابراین مهدویت و انتظار و تئوری تکامل تاریخ و پایان تاریخ و انقلاب پایانی تاریخ؛ اولین و یابیکی از مهم‌ترین عناصر فکری و معرفتی و انگیزشی انقلاب اسلامی بوده است.

\* یکی از خدمات‌های بزرگ انقلاب اسلامی ترویج مبانی فکری اهل بیت علیهم‌السلام و به خصوص مهدویت بوده است. خدمات‌های علمی که انقلاب اسلامی به اندیشه مهدویت کرد به صورت فهرست وار عبارت است از: رشته‌سازی در متن نظام‌های آموزشی، دوره‌های پودمانی و کوتاه مدت در حوزه مهدویت، انتشار مجلات مهدوی، توجه به پایان‌نامه‌های مهدوی، مقالات و کتب مهدوی، موسوعه‌ها، تولید نرم‌افزارهای متعدد مهدوی، فعالیت سایت‌های مهدوی و مراکز تخصصی مهدوی؛ چه آموزشی و چه پژوهشی، ترجمه‌های مهدویت و شکل‌گیری کرسی‌های تدریس حوزوی به ویژه در قلمرو درس خارج.

\* مهدویت در پرتو انقلاب اسلامی یک گفتمان شده است، گفتمانی غالب؛ هم گفتمان علمی، هم گفتمان فرهنگی، هم گفتمان اجتماعی و هم گفتمان سیاسی؛ وقتی قدرتمندان آمریکایی و اسرائیلی در سخنان و استراتژی‌های خود مهدویت را جا داده‌اند. [این نشان می‌دهد] مهدویت امروز یک نقطه بسیار درخشان گفتمانی بین‌المللی شده که هم موافقان و هم مخالفان محکمی دارد؛ که این [نمونه‌ای از] عظمت انقلاب اسلامی و عظمت یاران حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریح است.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی رحمته الله؛

## ما باید پشت سر نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت کنیم



\* رسم قرآن بر این است که در طبیعت برای زنده شدن می‌گوید: «كَذَلِكَ النُّشُورُ». قیامت هم همین‌طور است، چطور درختان خشک سبز می‌شوند، همان‌طور مرده هم زنده می‌شود. «وَكَذَلِكَ الْخُرُوجُ» و «كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>، «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> این کذک‌های قرآن یعنی ببین آن‌که دیدی، آن هم مشابه‌اش هست.

\* مشخصات حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است: یک مرد خدا قیام کند؛ دو مستضعفین حکومت کنند؛ سه طاغوت‌ها فرار کنند. هر سه این‌ها در ایران شد، امام خمینی رحمته الله تشکیل حکومت داد. رجایی‌ها حاکم شدند، طاغوت‌ها یا اعدام شدند یا فرار کردند یا آواره شدند. این را که دیدیم، باور کردن حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگر برای ما آسان است.

۱. وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُفِيرُ سَحَابًا فَمَسْقَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ نُفِصِّلُ الشُّعُورَ؛ وَ خُذْ هَمَّانَ كَسَى أَسْتِ كَسَى بَادِهَا رَا رَوَّانَه مِي كُنْدِ پَس [بادهها] اِبري رَا اِبرمي اَنگيزند و [ما] اَن رَا به سوي سِرزميني مرده رانديم و اَن زمين رَا بِلان [وسيله] پَس از مرگش زندگي بخشيديم رستاخيز [نيز] چنين است. فاطر: ۹.

۲. رَزَقْنَا لِلْعِبَادِ وَاَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ : [اينها همه] براي روزي بندگان [من] است و با اَن [آب] سِرزمين مرده اي را زنده گردانيديم رستاخيز [نيز] چنين است. ق: ۱۱.

۳. اِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ : ما نيكوکاران را اين گونه پاداش مي دهيم. الصافات: ۱۳۱.

۴. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ : پس [دعاي] او را برآورده كرديم و او را از آندوه رهانيديم و مؤمنان را [نيز] چنين نجات مي دهيم. انبياء: ۸۸.

۵. وسائل الشيعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰.  
۶. عنكبوت: ۶۹.



ما ديديم كه چطور «جاويد شاه» تبديل شد به «روح مني خميني، بت شكني خميني» يا «تا خون در رگ ماست، خميني رهبر ماست»؛ و ....

\* امام زمان عجل الله تعالي فرجه فرموده اند: در زمان غيبت به مجتهد عادل بي هوس مراجعه كنيد. «در رويدادهاي زمانه به روايان حديث ما (فقهها) رجوع كنيد. انان حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آنانم»<sup>۱</sup>. ما بايد پشت سر نايبش حركت كنيم، نايبش ما را به سمت مقصود مي برد. ولايت فقيهه، حبل (ريسمان) الهی است كه ما از امام معصوم جدا نشويم. اگر دستمان به امام معصوم نمي رسد به فقيه عادل كه مي رسد.

\* چطور ترسوها شجاع شدند، بخيل ها سخي شدند و چطور شاه ذليل شد و گريه كنان رفت، چطور امام خميني علیه السلام آمد. اين ها همه اش دست خداست؛ يك چيز ديگري در انقلاب بود؛ اخلاص امام خميني علیه السلام و رزمنده ها بود؛ و كساني كه در راه ما كوشيده اند به يقين راه هاي خود را بر آنان مي نماييم و در حقيقت خدا با نيكوکاران است»<sup>۲</sup>.



## آيت الله نجم الدين طبسي علیه السلام فرهنگ مهدوی، يعني فرهنگ ستيز با دشمن

بحث راجع به مهدويت، درباره يك حكومت مقطعي و در يك مكان خاص نيست؛ بلكه يك حكومت جهاني است و هيچ حكومتي در عرض آن نخواهد بود. «وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا»<sup>۱</sup>، خواهند يا نخواهند بايد تسليم اين حكومت باشند. حكومتي است كه با ظالمين تعارف ندارد، رودرپايستي ندارد، اهل مذاكره نيست، چيزي بدهد و چيزي بگيرد؛ نيامده است براي مذاكره، بلكه آمده است براي ترويج دين و مذهب و جهاني كردن دين و دعوت همه به سوي همان ديني كه خدا اختيار کرده است براي خودش، «اِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْاِسْلَامُ»<sup>۲</sup>.

وقتي كه ما به مهدويت اينچور نگاه كنيم و كساني كه دست اندر كار و خدمتگزار به نظام هستند، تفكرشان اينچور باشد، زمينه ساز چنين حكومتي باشند، گام هايشان قطعاً بلندتر برداشته مي شود، چون تفكر، تفكر مهدوي است و ما پيروان مكتب اهل بيت عليهم السلام، منتظر چنين حكومتي هستيم.

مرحوم شيخ جواد مغنیه علیه السلام از لبنان مي گفت: اسرئيل جنوب لبنان را به شدت بمباران مي كرد، به نجف اشرف رفتم و به امام علیه السلام عرض كردم كه ما از لبنان هستيم و اسرئيل روستاها و خانه هاي ما را ويران مي كند. امام سرشان پايين بود، سر برداشتند و فرمودند شاه بايد برود. فكر كردم امام متوجه نشده اند، دوباره گفتم: سَيِّدنا من از لبنان هستم، دوباره ايشان فرمودند: شاه بايد برود و سه دفعه اين مطلب تكرر شد و هر سه دفعه آقا همين جواب را دادند و بعد معلوم شد كه من متوجه نشدم، آقا خوب متوجه شده بودند كه اگر امنيت و آسائش خواسته باشيد، بايد اين جرثومه فساد برود. اين هست كه حمايت مي كند و بنام دولت شيعی هست كه دارد چراغ سبز مي زند، بعد از اين كه شاه سقوط كرد و نظام اسلامي روي كار آمد، برنامه حزب الله را ديديم، ضعف و زبوني و حقارت اسرئيل را ديديم.

فرهنگ مهدوی، يعني فرهنگ ستيز با دشمن. يك وقتی يك جايي بچه هاي حزب الله سلاح برده بودند و همراه آن از اين پيشاني بندها كه رويشان يا مهدی عجل الله تعالي فرجه نوشته شده بود هم بردند. جلوی سلاح را نگرفتند، ولی جلوی پيشاني بندها را گرفتند، گفتند سلاح را همه دارند ولی اين پيشاني بندها در واقع سلاحی هست كه كسي ندارد و شما با اين ها مي خواهيد فتح كنيد. اين فرهنگ بايد رواج پيدا كند.

۱. هر كه در آسمان ها و زمين است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است؛ آل عمران: ۸۳.  
۲. در حقيقت دين نزد خدا همان اسلام است؛ آل عمران: ۱۹.



حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان دامت برکاته  
تولیت محترم مسجد مقدس جمکران

## حدوث، بقا و گستره انقلاب، منبعث از پیروی از ولایت است

\* [امام را] خواستند از عراق بیرونش کنند، خواست به کویت برود، امام را راه ندادند، خیلی تلخ بود، اما مقدر بود ایشان به جای دیگری برود که در آنجا صدایش به همه دنیا برسد و زمینه نهضت به آن سرعت فراهم شود و با آن عزت و اقتدار به ایران برگردد. در همه مراحل، هر چه توطئه شد، دست خدا، دست امام زمان علیه السلام محسوس است. از نقطه‌ای که اصلاً قابل تصور نیست، بسیاری از اتفاقات رخ می‌دهد که به نفع نهضت، بقای نهضت و تثبیت نهضت منتهی شود و دشمن ناکام شود.

\* حرکت امام علیه السلام از آغاز نهضت، بر اساس اعمال ولایت بود، مردم هم امام را به عنوان ولی فقیه و به عبارت دیگر به عنوان نائب امام زمان علیه السلام پذیرفتند.  
\* اگر زینبیون و فاطمیون را در همین داستان فتنه داعش دیدیم که از مناطق مختلف حرکت کردند در دفاع از مقاومت و در راه خدا به شهادت رسیدند، این‌ها همه نمونه‌ی پیروی از ولایت و نیابت امام زمان علیه السلام است. در بنیاد شهید، در یک جامعه آماری از بین هفتاد هزار وصیت‌نامه شهید، به نکات جالبی دست یافتیم، در هر وصیت‌نامه به صورت میانگین چهار بار استناد شده به پیروی از ولایت فقیه و نائب امام زمان علیه السلام؛ پس هم حدوث انقلاب و هم بقای انقلاب، هم گستره انقلاب و هم وسعت انقلاب و فرامرزی بودن آن، همه و همه منبعث از پیروی از ولایت است، امام زمان علیه السلام یاب‌تعبیری نائب امام زمان علیه السلام.  
\* همه‌ی کسانی که الان هم آمادگی دارند بروند در سوریه و یا هر نقطه‌ی دیگری جان دهند و به شهادت برسند، جز انگیزه‌ی خدایی و پیروی از ولایت چیز دیگری در وجود آن‌ها نیست. چرا ما گاهی از این دست‌مایه اصلی که همه‌ی سرمایه و جودی ماست، غفلت می‌کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین مجتبی کلباسی  
مدیر مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

## دفاع از مظلوم یکی از آرمان‌های مهدوی است



نتوانسته است کاملاً اجرا شود؟ عمدتاً بر می‌گردد به سنگ اندازی‌هایی که دشمنان علیه انقلاب اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی پیاده کرده‌اند؛ جنگ تحمیلی، محاصره‌های اقتصادی و سایر مشکلاتی که به وجود آورده‌اند از طریق تهاجم فرهنگی که انشالله به مدد پروردگار عالم این موانع بایستی برطرف شود و راه برای تحقق آن اهداف باز شود.

حدود ۴۴ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد. در بسیاری از معیارها و شاخص‌ها ما به سوی آرمان‌های حکومت مهدوی حرکت کرده‌ایم، قدم‌هایی را طی کرده‌ایم، اما تا قله راه بسیار است. ما در شاخصه‌های بهداشتی، در شاخص‌های خدمات عمومی، در شاخص‌های فرهنگی، در سطح سواد، سطح آموزش و این موارد می‌بینیم که به لطف خدا انقلاب اسلامی برنامه‌هایی را اجرا کرده است و در این زمینه شاخص‌های خوبی را به دست آورده است، منتها ما یک وقت نگاه می‌کنیم می‌بینیم پشت سرمان چقدر راه آمده‌ایم؛ یک وقت نگاه می‌کنیم مقابلمان، ببینیم چقدر راه مانده است و آنچه که مسلم است گام‌های خوبی برداشته شده است؛ اما راه مانده، بسیار است.  
جامعه مهدوی و اهداف حکومت مهدوی معیار هم‌مش عدالت است. معیار مهم، توحید کامل در همه ابعاد است، با این معیارها متأسفانه فاصله بسیار است؛ البته به چه دلیل این سیاست‌ها

با اسکن کدهای زیر می‌توانید محتوای چندرسانه‌ای این بخش را مشاهده کنید.

## آلبوم مجموعه کلیپ‌های اولین اجلاس مهدویت و انقلاب اسلامی

مجموعه کلیپ سخنرانی  
حجت الاسلام والمسلمین محسن قزاقی



مجموعه کلیپ سخنرانی  
حجت الاسلام والمسلمین محمود متوسل آرائی



کلیپ سخنرانی  
آیت الله علیرضا اعرافی



مجموعه کلیپ سخنرانی  
حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق کفیل



کلیپ سخنرانی  
حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن رحیمیان

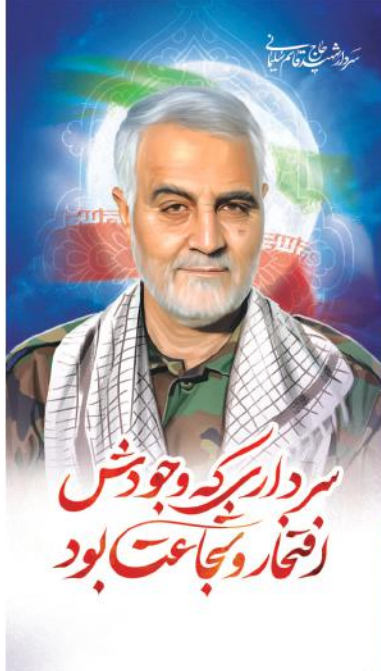


کلیپ سخنرانی  
حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری

دفاع از مظلوم یکی از آرمان‌های مهدوی است، وقتی که ما به متون مسلم مأثور از پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ مراجعه می‌کنیم این حقیقت برای ما کاملاً آشکار می‌شود که مینا و هدف ظهور حضرت این است که «بِمَلَأِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»، که این یعنی هدف حضرت مبارزه با ظلم و ستم است؛ لذا جامعه‌ای که اهل مبارزه با ظلم و ستم نباشد، اصلاً در مسیر مهدویت نیست.

مقام معظم رهبری ﷺ بارها مسئله تمدن‌سازی و اینکه ما باید به سوی تمدن نوین اسلامی پیش برویم را مطرح کرده‌اند، اما آن حرکت علمی و فنی که بایستی در این راستا صورت بگیرد، چندان فعالیت چشمگیری نبوده است؛ اینکه به عنوان یک تفکر و اندیشه راهبردی در قوای مختلف نظام و به خصوص در محافل علمی مطرح بشود و چارچوب‌های ترسیم بشود و اندیشه‌ها به دنبال آن حرکت کند، این چندان توفیقی نداشته است؛ البته دغدغه‌ها موجود بوده، حرکت‌هایی صورت گرفته، اما این موضوع در جایگاه خودش قرار نگرفته است. امروزه همانند گذشته، مجامع علمی و اندیشه‌هایی که وجود دارد، عمدتاً متأثر از الگوهای غربی است و برای توسعه و برای پیشرفت، نوعاً همان چارچوب‌ها مدنظر است و از همان‌ها الگوگیری می‌شود و حال آنکه ما بایستی آن الگوها را متناسب با فرهنگ خودمان و متناسب با ادله و پایه‌های اساسی که در قرآن و در سنت داریم ترسیم کنیم؛ به خصوص ترسیم الگوی پیشرفت از جامعه مهدوی؛ یعنی آن جامعه‌ای که جامعه موعود است، آن بسیار الگوی مناسبی می‌تواند باشد برای اینکه جامعه به آن سو حرکت کند و اساساً موضوع انتظار در نگرش کاربردی آن جز این نیست که بایستی به سمت آن جامعه حرکت کرد.

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۶۷.



سردار بزرگ و جودش  
رفتمار و بجماعت بود



اگر دشمن، این  
حرم را از بین برد،  
حرمی باقی نمی ماند

## جمهوری اسلامی حرم است گزیده دیدگاه سردار شهید قاسم سلیمانی

شهادت، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان گونه که هستند. فرزندان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید.

وصیت می کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح میشود، این ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید

امروز قرارگاه حسین بن علی علیه السلام، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم حرم ماند، دیگر حرم ها می مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی صلی الله علیه و آله

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منصوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب میدانید منزه ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه ی رسول الله صلی الله علیه و آله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است. دور آن بچرخید. والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی ماند؛ قرآن آسیب می بیند.

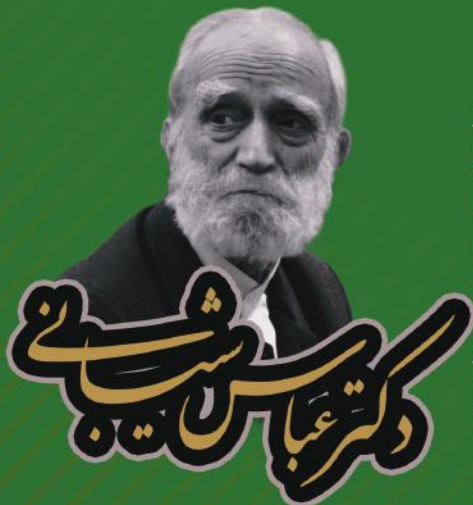
برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد. دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آنها و فشار آنها، شما را دچار تفرقه نکند.

بدانید که می دانید مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده ای این کشور را میدرد؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را میکرد، اما هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرم، صفر و قاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلاب هایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپردند و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده اند و بزرگترین قدرت های مادی را ذلیل خود نموده اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.



با اسکن کد بالایی می توانید محتوای چند رسانه ای این مقاله را ببینید.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 درگذشت مرد ایمان و عمل مرحوم دکتر  
 عباس شبیانی رحمۃ اللہ علیہ را به بازماندگان و دوستان و  
 همکارانش تسلیت عرض میکنم. وی مؤمنی  
 صادق و مجاهدی خستگی ناپذیر بود و در همه  
 ی دورانها، چه دوران مبارزه با طاغوت و چه  
 دوران انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، در  
 صراط مستقیم، ثبات قدم نشان داد. رحمت و  
 مغفرت الهی شامل حال او باد.

سیدعلی خامنه‌ای  
 ۱۴۰۱/۱۰/۰۲

پیام تسلیت در پی درگذشت دکتر عباس شبیانی

امام خامنه‌ای علیه السلام:

هر قدمی که در راه استواری  
این انقلاب اسلامی برمی داریم،  
یک قدم به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الصلوات  
نزدیکتر می شویم.



بنیاد جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الصلوات  
ایران، یمنان و بوسنیان



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الصلوات برگزار می کند: دومین همایش ملی

# مَكُهُدِ وَوَيْتِ وَنِ اَنْقِلَابِ اِسْلَامِي

فراخوان مقاله با محورهای:

- نقش اندیشه و باور مهدوی در همبستگی ملی و وحدت مسلمین
- زمینه ها و بسترهای مهدوی انقلاب اسلامی
- نقش و جایگاه مهدویت در تحقق تمدن اسلامی (رویکرد بیانیه گام دوم)
- تبیین نظرات امام خمینی علیه السلام و امام خامنه ای علیه السلام در زمینه انقلاب اسلامی و مهدویت
- جایگاه مهدویت در تداوم و تعالی انقلاب اسلامی
- مهدویت نرم افزار مقابله با کفر و استکبار جهانی
- تاثیرات متقابل انقلاب اسلامی و فرهنگ مهدویت



ISC  
Islamic World Science Citation Center

چاپ مقالات برتر در

مجلات علمی معتبر کشور

ان علیکم صلیت و سلام

نشانی ارسال مقالات و مشاهده ضوابط و شرایط آن: <https://mahdaviat.ir>

زمان و مکان برگزاری: سه شنبه نهم اسفند ماه ۱۴۰۱ - زاهدان

مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

با پشتیبانی و مشارکت:

